

# موضع سازمان



## پيرامون سياست تخليه و انهدام روستاها توسط رژيم جمهوري اسلامي در كردستان

د صفحه ۳

# چرا جنگ آغاز شد؟

موج توفنده انقلاب تمامي آزاد جامعه رافتار گرفته بود. طبريزم سازش حاکميت با امپرياليسم بوسر تسليم ارتش و جابجائي مسالمت آميز قدرت، جنبش از کتسرل سردتد اران کوني خارج شده و پادگانها بدست پرتوان تودها خلع سلاح و روحيه ارتش تا حد ودي درهم شکسته بود. کارگران با تشکيل شوراهای انقلابي خود که نطفه های قدرت و اقتدار توده های بودند در تحمل ستم ملي و دنباله در صفحه ۵

اکثر مراکز توليدي کنترل توليد را در دست داشتند و در جهت تحقق اهداف انقلابي خود به پيش مي رفتند. دهقانان در بسياري از مناطق، دست به مهاره انقلابي زمينهاي زمين در اران بزرگ زده و به گشت و برداشت برداخته بودند. در مناطق چون ترکمن - صحرا، شوراهای خلقی ترکمن عملاً اعمال حاکميت ميکردند. خلق کرد پس از سالها تحمل ستم ملي و دنباله در صفحه ۵

# امپرياليسم و جنگ

پس از جنگ جهاني دوم که در کورنيهاي اساسي در جهان پديد آمد، اين تجربه را برای امپرياليسمهاي باقي گذاشت که نه تنها بروز جنگ بين دول امپرياليسمي راه حل مناسبی جهت تخفيف بحرانهاي ذاتي نظام سرمايه داری نیست بلکه عامل موثري در ظهور انقلابات جهاني خواهد بود. اين امر رو بسياري عوامل ديگر که در اين مقال نمي گنجد دول امپرياليسمي را واداشت که بجای الحاق طلبي مستقيم، از طريق ديگر حفظ و تد اوم سلطه گري خود را تضمين نمايند، در حين حال اتخاذ حياتي دنباله در صفحه ۶

# نکاتی درباره بودجه نظامی

وزني هر رژيم بوروکراتيک اعم از بورژوازي بودجه سالانه - بصورت شپاري در مي آيد و خرده بورژوازي، مخفي کردن اطلاعات از و بودجه سرکوب و تخميق و جاسوسي تحت تود معاست و اين مخفي کردن انجا که اجبار عناوين کليشه اي "حفظ نظم و امنيت کشور" به ارائه اطلاعات بصورت علني باشد - مثل "هزينه های جنگ تحميلي"، "آموزش و تربيت" دنباله در صفحه ۸



چگونه ميتوان به جنگ خاتمه داد؟

خاتمه دادن به جنگ ارتجاعي ايران و عراق، يعني برقراري صلح، نيز همانند جنگ اد امه سياست است. اکنون در اثر شرايط تکوين يافته دوره جنگ، فرشته صلح در جنگ را در تنگنا قرار داده و درهم مي فشارد. آهيدمي جنگ که زماني همه چيز را در بر گرفته بود از نفس افتاده و در معرض آهيدمي صلح هر چه بهتر گسترده ميشود. صلح طلبي هر چيز و هر کس را بمحاصره در آورده است. اين امر و بنوعی خاص، حتی طبقات حاکم جمهوري اسلامي را نيز شامل گشته است. صرف نظر از هياهو پيروزي در جنگ و اينکه "جنگ ساله اصلي است"، بن بست جنگ و تد اوم اين بن بست و اثراتي از جنگ که به ضد سياستهاي رژيم تبديل شده و ميشود، هيات حاکمه را به سياق معمولي ملکرد خود که در ساله اشغال سفارت، گروگانگيري و سپس حل ديپلماتيک دنباله در صفحه ۲

## در اين شماره

از بركات جنگ

يادداشتهاي سياسي

ضميمه خبري

کميته های مخفي اعتصاب را برای برپائي يك اعتصاب عمومي سياسي ايجاد کنيم

چگونه میتوان ....

آزادی گروگانها مشهور است، در جستجوی روزنهای "صلح شرافتند انهای" که حکومت و اسلام و سودشان را بخاطر نهند از، به روزگی انداخته است. روزنهایی که حکومت خود قبل از هرکس طی مدت جنگ آنها را سد و کرده و بازگشایش ملی - خصوصی از نقطه نظر عوامل داخلی "شرافتندی صلح" یعنی حکومت و اسلام و سود را مخدوش و لگداز میکند.

ولی بهر حال، صرف نظر از بن بست ملی که حکومت درگیر آنست، همه خواهان صلح اند. اما بروایت خود، و این روایت بر سیاست - سیاست طبقاتی - استوار است. ادامه سیاست در پی جنگ را در خود پروراند و این دیو در دامان خود، فرشته صلح را بارور کرد. صلح، و اگر جنگ و ادامه سیاست است.

صلح - در محدودهای و برای مدتی - تعیین تکلیف بن بست سیاسی است که به جنگ منجر شد. پس بخودی خود نه جنگ دیوی مد هشت است و نه صلح فرشتهای منزله. این امر، حداقل به تجربه دیگر به اثبات رسیده است که الزاما "دیو جو بهر روز بروز، فرشته در نمی آید!"

صلح، و اگر جنگ و جنگ ادامه سیاست است و خصمت با بی صلح بر خصمت با بی جنگ متکی است. از اینرو پاسخ باین سوال که "چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد" موکول به پاسخ ما در مقابل ماهیت جنگ و خصمت طبقاتی جنگ میشود. اینکه "جمعیت موجب جنگ میشود، چه طبقاتی جنگ براه میندازند، چه شرایط تاریخی و اقتصادی - تاریخی موجب جنگ میگردد" آن سنگ بنایی است که برنامه صلح، برنامه پایان دادن به جنگ بر آن استوار میشود. از این لحاظ ماهیت صلح و خصمت طبقاتی صلح در پیوند با ماهیت جنگ و خصمت طبقاتی جنگ قرار دارد. سوال به اینگونه مطرح میشود: کدام طبقه بر اساس چه زمینههای اقتصادی - اجتماعی، و با کدامین هدف جنگ میراند؟ و بلافاصله باید اضافه کرد که ام طبقه، بر اساس چه زمینه های اقتصادی - اجتماعی تکون یافته طی جنگ و با کدامین هدف صلح را هدایت میکند؟ صلح نیز مانند جنگ از نظر ماهیت و خصمت طبقاتی متفاوتست و از این لحاظ چگونگی پایان دادن به جنگ نیز از نظر طبقات و اقتصاد مختلف احتمالی پاسخهای متفاوت می یابد. وقتی گفته میشود "چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟" "فورا" باید اضافه کنیم بر اساس منافع کدام طبقات و چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟

در رابطه با صلح، مقاله مهمی چهار

لحاظ نظری و خصوصا "چه از لحاظ عملی مطرح است. آیا سیاست صلحی که بر جامعه حاکم میشود و متحقق میگردد، الزاما همان سیاست طبقاتیست که به جنگ منجر شد؟ بعبارت دیگر، آیا طبقه ای که بر منای شرایط تاریخی - اجتماعی و با اهداف "خارج جنگ" میراند، همان طبقه ای است که عملا "سیاست صلح" را با همان اهداف طبقاتی قبل و یا در نظر گرفتن تعدیلاتی که از جنگ ناشی شده، هدایت خواهد کرد؟ پاسخ الزاما "مثبت" یا منفی نمیتواند باشد. هیچ جنگی در خلا بر وقوع نمی پیوندد و هیچ جنگی در مارا "منافع طبقاتی" قرارندارد. جنگ شکلی از تداوم مبارزه طبقاتی در سطح ملی و بین المللی است که طبقه یا طبقاتی به آن می گردند و تحت شرایطی و تا مدتی جامعه را بدنبال خود میکشاند. اما همانگونه که در مبارزه طبقاتی دستاوردهای مبارزه و نتایج مقطعی و نهایی آن فقط بوضع و قدر مطلق قدرت یک طبقه بستگی نداشته، بلکه برآیند قدرت نیروهای اجتماعی است؛ در جنگ نیز این امر نه تنها صادق است، بلکه درها بار شدیدی، پرتلاطم تر و متحول تر است. در جنگهای ارتجاعی که از سوی طبقات حاکمه استثمارگر برجای می آید، جنگ معمولا "در تداوم خود سبب انجنان بحرانها و تکانهای شدیدی اجتماعی میشود که میتواند به درگونی های اساسی در شرایط اجتماعی که جنگ بر اساس آن آغاز گردیده منجر شود. انجنان درگونی هایی که اهداف طبقاتی و یا جناحی از طبقات را که به جنگ می آید، آورند به ضد خود مبدل سازد. و حربه جنگ که برای تحقق سیاستهای طبقاتی نشان بکار گرفته شده بود. به حربه ای در رستان سایر نیروهای اجتماعی در مصاف با انسان بکار رود.

اگر از وجود اهمیت بسزائی که مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی (بمعنای عام کلمه) بر نتایج جنگ دارند، در گذریم؛ یعنی اگر از اثرات این چنین جنگهایی (جنگهای ارتجاعی که عملا مورد نظر است) بپردازیم، قوا در سطح منطقه ای که قوت جنگ محدودده آنها مشخص میسازد از یکسو از سوی دیگر از تاثیرات مبارزه طبقاتی در عرصه جهانی که مستقیما بر چگونگی شروع جنگ، ادامه و نتایج آن دارند، در گذریم؛ میتوان گفت که معمولا "بحرانهای ناشی از این جنگها" باینجه به دامنه جنگ و قدرت حکومت) انجنان تغییر و تحولاتی را در موازنه قدرت نیروهای اجتماعی در سطح ملی سبب میشود و آن - چنان شرایط اجتماعی آغاز جنگ را در هم فرو میریزد و درگونی میسازد که زمینه های پر قدرتی در اختیار نیروهای دیگر بجز انسان که جنگ را برجای می کشد، قرار میگیرد تا راهبر صلح شوند، اینکه کدام

طبقه بتواند بر بحران فائق آمده، جامعه را بدنبال خود روان ساخته و صلحی بر اساس منافع طبقاتی خود (و متحدانش) برقرار کند، به نتیجه مبارزه طبقاتی و قدرت نیروها بستگی دارد که در یک چنین شرایط حاد مبارزه، نقش نیروهای سیاسی (در بهر مورد آری آگاهانه از شرایط بحران) از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. این مساله در کشورهای مختلفی که مبارزه طبقاتی بر زمینه جنگ جریان داشته و شدت گرفته، خود را بکرات نشان داده است. جابجائی قدرت سیاسی و یا انقلابات در بسیاری از حالات بر زمینه جنگ صورت گرفته است. در سطح جهان، تعداد قابل ملاحظه ای از انقلابات سوسیالیستی و دموکراتیک توده ای تحت رهبری طبقه کارگر بر زمینه رک و عملکرد دقیق نیروهای کونیستی از جنگ و بحران انقلابی متحقق شده است.

صلح واژه دلیذیری است، همانند آزادی، اما همانگونه که بنام آزادی طبقات استثمارگر آزادی را بهمند می کنند، به همانگونه صلح واقعی، صلح دموکراتیک صلحی که منافع توده های استثمارگر را منعکس میکند، را نیز میتوانند بدام کنند. صلح نیز همانند جنگ، دموکراسی، آزادی، عدالت اجتماعی و نظایران مفهومی طبقاتی است. چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟ باید دید که این سوال از کدام دید طبقاتی چگونه و بر اساس کدام شرایط مطرح میشود و چه اهدافی را دنبال میکند؟ صلح از نظر طبقات استثمارگر، ادامه سیاست جنگ ارتجاعی باینجه به الزاماتی که جنگ تحمل نموده است، می باشد. این صلح، صلح بورژوازی، ادامه سیاستهای ارتجاعی، ضد مردمی و سرکوبگرانه است. از این لحاظ صلح این چنین که بورژوازی و ملحقانش ارائه می دهند، ایم از اینکه از رون حاکم باشند یا بیرون از آن، صلحی است که تداوم جفا و کفری و سرکوبگری سرمایه را بر منبای نتایج تاکنونی جنگ تضمین می نماید. این صلح و صلح دموکراتیک، صلح کارگران و زحمتکشان، صلحی که در تداوم سیاست های آگاهانه طبقاتی استثمارشدهگان و متحدین آنها سرمایه داری - بر زمینه جنگ - قرار دارد، از ریشه و بنیان باهم متفاوتند. کونیستها، همواره از موضع انقلاب، از موضع کار، از موضع منافع کارگران و زحمتکشان، به مبارزه طبقاتی در تمام وجوهش از جمله جنگ و صلح می نگرند و بر این اساس، تاکیکهای مبارزاتی خود را مشخص میسازند. ماهیت جنگ آن اساسی است که موضع گیری و مضمون شعارها و تاکیکهای ما را در قبال جنگ و طبقات هدایت کننده جنگ تشکیل می دهند. در عین حال از ابتدا تا انتهای جنگ، همواره بررسی شرایط عینی، ذهنی جامعه تغییر و تحولاتی که دنباله در صفحه ۱

# برای برقراری صلح دمکراتیک، جنگ را به جنگ داخلی تبدیل کنیم



# موضع سازمان جریکهای فدائی خلق ایران شاخه کردستان پیرامون تخلیه و انهدام روستاها توسط رژیم جمهوری اسلامی در کردستان

خلق قهرمان کرد!  
خلقهای سراسر ایران!  
کارگران! زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!  
سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان!

آرامش را بخود خواهد دید .  
نگاهی به لیست روستاهائی که رژیم قصد تخلیه و تخریب آنها را دارد ، اهداف واقعه رژیم را هرچه بیشتر آشکار خواهد ساخت . این روستاها که اکثر آنها در منطقه مرزی آن و سردشت قرار دارند ، اکثر روستاهائی را دربر میگیرند که علیرغم حتی تسلط رژیم بر برخی از آنها ، از مراکز مهم تجمع پیشرگان و مقابله خونین با یورش های مزدوران رژیم بوده و هستند . رژیم با این سیاست ارتجاعی در حقیقت درصدد انتقام از اهالی این روستاها برآمده است و تصور می کند با تخریب این روستاها می تواند خواهد توانست زحمتکشان خلق کرد را از پافشاری بر اهداف انقلابی دمکراتیک خود مینویسند بر رهایی از قید و ستم ملی و ایجاد جامعه ای دمکراتیک و انقلابی باز داشته و تحت نظام ظالمانه خود درآورد .  
اما واقعیت های مبارزه خلق انقلابی در کردستان در طول پنجمال گذشته تا حدی آشکار ساخته است که هیچکدام از سیاست های ارتجاعی رژیم نه یورشهای ارتجاعی و همجانبه ، نه قتل عام زن و مرد و کودک ر پیرو جوان در روستاهای کردستان ، نه بمباران و خمپاره و توپ باران شهرها و روستاها و نه گسترش هرچه بیشتر پایگاهها نه افزایش دستگیری و آزار و اذیت مردم عادی و نه تهدید و ارباب مردم و نرسریاز گیری و . . . هیچکدام تاکنون نتوانسته است و نخواهد توانست خللی در اراده خلق مبارز و قهرمان کرد وارد آورده و این خلق مقاوم را از پافشاری بر اهداف انقلابی دمکراتیک خود بازدارد .  
از همین امروز مشخص است که این سیاست رژیم نیز با شکست مفتضحانه دیگری روبرو خواهد کرد . وظیفه تمامی نیروهای انقلابی و سازمانها و احزاب منطقه ای و سراسری است که در سرتاپای ایران و جهان بهر طریق ممکن ، ماهیت ارتجاعی این سیاست را در میان توده های مردم افشا نموده و مقاومت همجانبه و اعتراضات گسترده آنها را در مقابل این سیاست ، سازماندهی نمایند ، از طریق افشای جنایات فوق در کردستان انقلابی ، این سیاست جنایتکارانه رژیم را در انظار عمومی جهانیان رسوا نمایند .

کانون گروپ و خروش مبارزه را از پیش باز دارد و بدینوسیله پیشرگان قهرمان کرد را از پشت جبهه قدرتمند خود در برخی مناطق حساس کردستان محروم سازد .  
رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در سرکوب خلق کرد ، از سلف خود یعنی رژیم پهلوی عقب نمانده است و در طول پنجمال گذشته با ارتجاعی ترین و سبعانه ترین شیوه های ممکن به سرکوب خلیه کرد پرداخته است و در مقابل اراده آنان مبنی بر حق تعیین سرنوشت خود ، ایستاده است . با توپ و تانک و خمپاره و زندان و شکنجه با خلق کرد سخن گفته است . بلکه در ارائه و عملی کردن طرحهای ارتجاعی همچون تخلیه و انهدام روستاها نیز ، طرحهای مصوق رژیم پهلوی را با انجام میرساند . این طرح ارتجاعی که برای اولین بار در توافق ۱۹۷۵ الجزایر بین دولتین ایران و عراق در پشت درهای بسته مورد موافقت طرفین قرار گرفت و حوزه عمل آن شامل مناطقی با شعاع دهمبالکلوستر از نوار مرزی هرکدام از طرفین مزبور می شد و هدف آن نیز جلوگیری از رشد و گسترش جنبش انقلابی خلق کرد در هر دو کشور بود با موانع متعددی از . . . و همپس از همه رشد و ارتقاء جنبش انقلابی در ایران و در دوران رژیم پهلوی صورت نگرفت . پس از انزمام اینک یکبار دیگر از سوی رژیم جمهوری اسلامی مطرح گشته است .  
رژیم جمهوری اسلامی که در طول حیات ننگین خود تا به امروز ، نتوانسته است این طرح ارتجاعی را عملی نماید ، اکنون و در شرایطی دست به آن زده است که با تمامی تلاشهای مذبحخانه خود در طول پنجمال گذشته با استقرار صدها و هزاران پایگاه در سراسر کردستان ، نتوانسته است نفعی در زمینه اعمال حاکمیت ارتجاعی خود برخلق کرد بدست آورد بلکه در سراسر کردستان ، با گسترش پایگاههای خود ، هرروز بیشتر از روز پیش ، مورد حمله پیشرگان کرد قرار گرفته است .  
رژیم ، تصور میکند با اعمال این طرح ارتجاعی ، از تحریک پیشرگان خواهد کاست ، زحمتکشان خلق کرد را مستاصل خواهد ساخت و در نتیجه پایگاههای متعدد خود که همچون زند آنها بی شماری در اقصی نقاط کردستان مستقر نموده است ، روی

رژیم جمهوری اسلامی که پیش از پنجمال است از هیچ جنبه ای در کردستان فروگذاری نکرد ، است . رژیم که در طول پنجمال گذشته ، جز گشتار و ویرانی و انهدام خانوار کاشانه زحمتکشان خلق کرد ، ارضائی برای آنها نداده است . اینک که با تمامی تلاشهای ارتجاعی و مذبحخانه خود در برابر قدرت اراده خلل ناپذیر خلق کرد بهزانو درآمده است و در رسیدن به اهداف پلید خود با تمامی نیرو و تشکیلات عظیم خود در اقصی نقاط کردستان انقلابی بعد امان محرک و نابودی فرو افتاده است ، دست به جنایت گسترده و وسیع و شوم دیگری زده است تا مگر بتواند بر اهداف سرکوبگرانه ضد انقلابی خود دست یابد .  
رژیم جمهوری اسلامی قصد دارد با تخلیه و انهدام بخش وسیعی از روستاهای شمالی کردستان ، فشار هرچه بیشتری بر زحمتکشان خلق کرد وارد آورده و آنها را از حمایت بی دریغ از فرزند آن صلح خود بازدارد .  
رژیم جمهوری اسلامی ، برای جبران شکستهای مفتضحانه تمامی سیاستهای خود در طول پنجمال گذشته ، درصدد است ، سیاست ارتجاعی جدید خود را با تخلیه و تخریب بیش از ۶۰ روستا عملی سازد که بر اساس آن ، تعداد بیش از ۵۰۰ خانوار با جمعیتی نزدیک به ۱۰ هزار نفر ، آواره و بدون هیچ آینده ای بر خیل آوارگان این جنگ تحمیلی پنجماله افزوده میگردد .  
رژیم جمهوری اسلامی و قبحانه به اهالی چند روستا از روستاهای مذکور اعلام کرده است که هرچه زودتر خانه و کاشانه خود را تخلیه نموده و آواره دشت و کوهساران گردند و در غیر این صورت با خمپاره باران و قتل عام مزدوران خون آشام رژیم روبرو خواهند گشت . به اهالی دهها روستای دیگر نیز اخطار نموده است تا فصل پائیز ، روستاها را تخلیه نموده و بهرجائی که می توانند نقل مکان کنند .  
رژیم جمهوری اسلامی که از تبعیض ، دستگیری ، آزار و شکنجه آحاد ملت کرد نتیجه ای نگرفته است و نتوانسته است حمایت فعال و بی دریغ آنها از پیشرگان را بکاهد و آنها را از طریق تهدید و تطمیع به مقابله با فرزند آن پیشرک خود وادارد ، آخرین چاره خود را در تخلیه و تخریب روستاهای کردستان انقلابی می بیند تا مگر بتواند این

خلق قهرمان کرد!  
خلقهای سراسر ایران!  
کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی!

با افشای جنایات بهشمار رژیم در اقصی نقاط ایران، بهر شیوه و هر طریق ممکن و با تحکیم اتحاد درونی خود و با تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی سیاست ارتجاعی جدید آنرا در زمینه تخلیه و تخریب روستاها

تحکیم اتحاد درونی خود و با تشدید مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی سیاست ارتجاعی جدید آنرا در زمینه تخلیه و تخریب روستاها کردستان، ناشکست قطعی مواجه ساختیم و در این راه از هیچ کوششی فروگذار ننشاید. کارگران و زحمتکشان خلق کرد نه تنها نباید تسلیم خواست ارتجاعی رژیم مبنی بر بسی- خانیان نمودن آنها شده و روستاهای خود

را تخلیه نمایند بلکه قاطعانه و با تمام نیرو و از هر طریق ممکن باید در مقابل آن مقاومت نموده و با اقدامات عملی در زمینه جلوگیری از به تحقق پیوستن چنین سیاست شومی، تلاشهای مدبوحانه رژیم را عقیم گذارند.

آنها میباید باتشکل خود بطور هماهنگ، اقدامات مشترکی را بعمل آورده و سیاست رژیم را در سطح وسیعی افشاء نمایند و بهیچ وجه برخواست رژیم گردن ننهند. سازمانها و احزاب شرقی و دمکرات سراسر جهان!

با اعلام همبستگی با ملیت ستمدیده و مبارز کرد و تشکیل میتینگها و اعتراضات علیه رژیم جمهوری اسلامی و از طریق افشای جنایات متعدد آن در کردستان و ایمااد غیر انسانی و ضد بشری جنایتی که هم اکنون در صدد آنست، فریاد حق طلبانه خلشق

قهرمان کرد را به کوشش همه جهانیان رسانده و حامیان ارتجاعی چنین رژیم سفاکی را در انظار عمومی جهانیان رسوا نمائید.

پیروز باد جنبش انقلابی دمکراتیک خلق کرد هر چه مستحکمتر باد اتحاد عمیق مبارزاتی خلقهای سراسر ایران علیه جمهوری اسلامی مرکز امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکای پایگاه داخلی

هر چه گسترده تر باد همبستگی بین المللی جنبشهای انقلابی و رهائی بخش در سراسر جهان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شاخه کردستان

۳ مردادماه ۱۳۶۳

جرا جنگ آغاز شد؟

دومرد روزهای اول جنگ گفته است: "ما اگر آتش بس برامی پذیرفتیم ( اشاره به پیشنهاد آتش بس عراق چند روز بعد از ۳۱ شهریور ۵۹ ) سقوطمان را - می پذیرفتیم... ولی بیداری امام، هشیاری امام و رهبری قاطع امام این بود که یک لحظه اجازه نمی دادند که ما اسم آتش بس را بپذیریم". ( نماز جمعه اول مهر ۶۲ ) - جنگ با اهدافی مشخص از سوی دو کشور ایران و عراق آغاز شد و اکنون با گذشت ۴ سال از آغاز رسمی جنگ بیش از ۵ سال از آغاز واقعی آن، هرچند که رژیم جمهوری اسلامی به برخی از خواستههای پنهان خود دست یافته است. اما در یک بن بست کامل گرفتار آمده که نه می تواند به جنگ خاتمه دهد و نه به آن تد اوم بخشد.

این اولین بار نیست که طبقات ستمگر جهت منافع طبقاتی خود تود مها را قربانی کرده و تحت پرشش جنگ میهنی به مسلخ می کنند و بهانههایی چون خطر تجاوز به آب و خاک یا حق حاکمیت و تهدید نظامی و دفاع از اسلام عزیز را عنوان می کنند. این گونه بهانهها در طول تاریخ همواره دست آویزی جهت پنهان کردن اهداف واقعی جنگ و تحمیل و فریب تود مها جهت کماندن آنان به صحنه جنگ بمثابة گوشت دم توپ بورژوازی بوده است. لیکن برای کمونیستها این کافی نیست که گفته شود چه کسی اولین گلوله را شلیک کرد یا کدام طرف به خاک دیگری تجاوز کرد و یا کدام طرف مخاصمه در ابتدا بیشتر پیشروی نموده است. عاملی که ماهیت جنگ را معین می سازد با بررسی نقشهای نظامی بدست نمی آید. با اینکه اکنون ارتشهای مخاصم در کجا قرار دارند حاصل نمی شود، "جنگ ادامه سیاست است با وسائلی دیگر". پس اینکه "دشمن بهمرزهای ما تجاوز کرده" در تحلیل سیاست هابی که جنگ را تدارک دیده، لغاز نموده و ادامه میدهد نمی تواند جانی داشته باشد. سوال اساسی این باید باشد که کدام سیاستها منافع کدام طبقات جنگ را موجب کرده و به آن ادامه میدهند.

وحشت از خشم توده ها ...

خود و کلیه مردم ایران که دستانشان تا مرفق به خون بهترین فرزندان خلق آلوده است و جیب هایشان سرشار از غارت و غارتگری تودهای زحمتکش، تلویحا" به آنان هشدار داد که بهر حال چه برای اسلام و چه برای دنیا به رژیم پیوسته اند همگی مارک جمهوری اسلامی برپیشانی دارند و بنابراین با سقوط رژیم هیچیک از انتقام تودهای مردم در امان نخواهند بود پس چه بهتر که تضاد هارا کاراکنار بگذارند و وحدت در حفظ حاکمیت را پیشه سازند. او که بشدت از بحثهای درون مجلس و شاخ و شانه کشیدن های نمایندگان که آینه تمام نمان از تضاد های درونی رژیم است به خشم آمده بود. از کرسی نشینان مجلس خواست که برای حفظ سیستم موجود از افشای جپا و لگیری های بگد پگر دست بردارند و برادرانه برآنچه که می گذرد سرپوش نهند چرا که برطبق قانون اساسی مذاکرات مجلس مستقیم بخش می شود و رسوائی های مطبوعی بهار خواهد آورد. اما همچنانکه تاکنون شاهد بود ه ایم صق تضادها بعدی رسیده است که حتی ابهت خود ساخته خمینی و امعان و انصارش دیگر کار ساز نیست اما تودهای مردم نیز باید بدانند که منتظر مرگ خمینی نشستن و سقوط خود بخودی رژیم را تصور کردن و یا پس از مرگ خمینی بسراخ رژیم، رفتن مبارزه امروز را بفرود افکندن است.

هرچند که هم اکنون در اشکال گوناگون تد اوم دارد و در مواردی حتی با خشونت و قهر انقلابی تودها به پیش میروند اما هنوز پراکنده و خود بخودی است. باید متشکل شویم و سازمان یابیم تا رژیم خمینی را در حیات خمینی سرنگون سازیم. آنگاه این جلاو جماران را در راه خلق و در کنار تمامی جبر خوارانش به محاکمه کشیم و پاریانی جوشه های اهد ام انقلابی به حیات ننگینش پایان بخشیم.

چگونه می توان ...

تودها به تب و فاع طلبی انقلابی دچار بودند، مشاهده می شود. در آن زمان اگرچه باید با دفاع طلبی انقلابی تودها مبارزه می شد و مضمون شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی تبلیغ و ترویج می شد، لیکن بعلت "خود ویژگی وظایف زمانی و لزوم طور دیگر برخورد نمودن با توده" وسیع در نحوه ارائه و شکل شعار می توانست دخیل باشد بدون آنکه مضمونش را مخدوش سازد. اما، پس از چندی که تبلیغات و تاکتیک های نیروهای انقلاب، علاوه تحریه روزمره خود تودها، آنها را به شناخت از ماهیت جنگ نزدیک کرد و تودم شروع به فروریختن نمود، لزوم طرح مستقیم شعار ضروری می شد.

بهر حال، جنگ جز فقر و بد بختی و ویرانی و خرابی هیچ سودی برای تودها ندارد. تودها خواهان صلحتند، باید هر چه سریعتر به جنگ در جهت منافع و مصالح تودها خاتمه داد. این چنین صلحی تنها در پرتو تشدید مبارزات انقلابی تودها می تواند بدست آید. صلح دمکراتیک صلحی که در خدمت مصالح و منافع تودها باشد، صلحی که در مقابل صلح مزورانه بورژوازی قرار دارد، تنها با پایان انقلابی به جنگ ارتجاعی می تواند برقرار شود و تنها راه خاتمه دادن انقلابی به جنگ و برقراری صلحی دمکراتیک، تبدیل جنگ به جنگ داخلی بر ضد حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی است.

تصحیح و آموزش

در کار ۱۸۲ صفحه ۱۷ مقاله ساخت اقتصاد ی... پاراگراف اول ستون دوم مربوط به قسمت آخر مقاله یعنی بعد از پاراگراف ۲ از ستون سوم باید چاپ می شد که باین ترتیب اصلاح میگردد.

چرا جنگ آغاز شد؟

طبقاتی، با پویائی بنک  
های انقلابی خود، در جهت تحقق خود  
مختاری گام برمیداشت و سازمان‌های  
انقلابی، در شادوش و شادوش خود در تحقق  
درخواستهای انقلابی آنان و ارتقاء سطح  
آگاهی کارگران و زحمتکشان تلاش میکردند.  
در این میان، رژیم که با ارتشی از هم  
پاشیده مواجه بود، ارگانهای سرکوب ویژه  
حکومت مذهبی مبتنی برایدئولوژی اسلامی اش  
را بی‌ریزی میکرد. باین ترتیب ارگانهای  
چون سپاه و کمیته و جبهه و... سازمان  
یافتند.

در این مقطع زمانی یعنی چند ماه اول  
پس از انقلاب هنوز بخش وسیعی از توده‌ها  
نسبت به رژیم و شخص خمینی ضوهم بودند و  
برخی از بااصطلاح پیروان نظیر حزب توده  
و ایران و انصارش هم این توهم را دامن  
میزد. از اینرو با توجه به جوانان انقلابی حاکم  
برجامعه رژیم قادر بر روی مستقیم بسا  
توده‌ها نبود. در عین حال رژیم برای تحقق  
حاکمیت ضد انقلابی خود نیاز به یک سلسله  
اقدامات داشت تا قادر به تثبیت وضعیت  
خود گردد. این اقدامات عبارت بود از  
سرکوب انقلاب، بازسازی ارتش و ایجاد  
تضمین برای حرکت سرمایه و سرمایه‌داران و  
سازماندهی بوروکراسی و استثمار در زمین  
حال رژیم خواستار آن بود تا نقش‌زاند ارضی  
منطقه را که با سقوط شاه و وقوع انقلاب منتفی  
شده بود باز یابد.

رژیم به هادلی نیاز داشت که بتواند ذهن  
توده‌ها را از انقلاب منحرف سازد. روحیه  
انقلابی آنان را درهم شکند. ارتش را احیاء  
نماید و سرکوب انقلاب را تضمین کند. خطر  
کمونیسم را از منطقه بزداید و در عین حال  
عطف توسعه طلبی و پان اسلامیم سردمداران  
رژیم را که از سلف خود، بنیانگذاران صدر  
اسلام به آنها بهارث رسید بهود تحقق بخشند.  
این همه میسر نشدند مگر با بروز یک عامل  
خارجی نومرومند و تبلیغات گسترده حول  
آن. بطوریکه تمامی اذهان متوجه آن گشته  
و برنامه‌ها طرح ریزی شده، در سایه آن  
تحقیق یابد. از سوی دیگر انقلاب ایران  
زمینه مساعدی را فراهم کرد تا عراق از  
موقعیت متزلزل رژیم بهره جسته و شکستهای  
پیشین را بهانه قرار داده و برای کسب  
زاند ارضی منطقه، یک سلسله ادعاهای ارضی  
و طرح نماید.

باین ترتیب از همان ماههای اول پس  
از انقلاب درگیریهایی متناوب مرزی آغاز  
میشود. اولین درگیریهایی مرزی حتمی  
باستاند روزنامه‌های رژیم در خرداد ماه ۵۸  
بوقوع می‌پیوندد. حمله جنگنده‌های عراقی  
در تیرماه ۵۸، اخراج رایزن عراق در آبان  
همان سال و یک سلسله درگیریهایی متعدد

در آذر و دی و بهمن و اسفند ۱۳۵۸ روی  
میدهد. در همین زمان سفیر عراق از  
ایران اخراج می‌شود و در فروردین ۱۳۵۹  
یعنی پنج ماه قبل از آغاز رسمی جنگ به  
ارتش و سپاه آماد می‌شود (رجوع  
کنید به ویژه نامه جنگ، کیهان ۳۱ شهریور  
۱۳۶۲).

اما علیرغم تمامی این وقایع رژیم شروع  
جنگ را ۱۰ ماه بعد اعلام می‌کند و ۳۱  
شهریور ۵۹ را سالروز جنگ می‌نامد چرا  
بدین جهت که اهداف واقعی خود را از  
جنگ پنهان دارد.

رفسنجانی در نماز جمعه مهرماه ۱۳۶۲  
برای توجیه جنگ جنایتکارانه و مظلوم‌نمایی  
می‌گوید: "ارتش ما اوایل جنگ غافلگیر شد"  
و حال آنکه فردای آغاز رسمی جنگ یاد‌های  
خود رژیم ۱۴۰ - ۱۵۰ فرزند هواپیمای  
جنگی برای بمباران مراکز اقتصادی و نظامی  
عراق بمباران روی اینند... و یک روز بعد  
خمینی جلالت خیر "انهدام" "قصرای  
پریشان" را می‌دهد. جنایتکاران حاکم  
با این ترفند سعی می‌کنند چنین وانمود  
سازند که: "ما بی‌خبر از همجا نشسته  
بودیم که ناگهان "سردار قاسم" "صدام"،  
بفخاک ما تجاوز کرد... همین!! و بدین  
طریق آتش آفرین‌ها، تحریکات و زمینه  
چینی‌های خود برای جنگ ارتجاعی را پرده  
پوشی می‌کنند. اما تلاشهای رژیم برای  
پرده پوشی اهدافش گاه با مریت توام  
نیست. مثلا "رفسنجانی جنایتکار بعدها  
به یک‌سویه از انگیزه‌های رژیم از جنگ اعتراف  
میکند: "احتمال صدور انقلاب به عراق  
از همجا بیشتر بود چون نزد یکمین پایگاه  
اصلی مخالفین آنها کربلاست و اصولاً ما  
مبارزه بی‌امان علیه طغیان را از آنجا شروع  
کردیم و نمی‌شود آنجائی که امام حسین  
آرمیده و علی بن ابیطالب مرکز حکومتش آنجا  
بوده در دست حکومت فاسد صدام باشد.  
بنابراین هراقیها طبیعتاً باید می‌ترسیدند  
و کشورهای مرتجع دیگر منطقه را نیز تحریک  
میکردند (خطبه‌های نماز جمعه تهران اول  
مهرماه ۶۲).

انگیزه‌های رژیم جمهوری اسلامی برای  
جنگ. وقتی با ادعاهای ارضی و حقوقی  
عراق مواجه می‌شود، دیگر بهانه‌های رژیم  
ایران برای تلاش در جهت سرنگونی صدام  
کامل شده و دخالت در امور داخلی عراق از  
هر طریق ممکن در دستور کار قرار می‌گیرد.  
"دعوت از افسران عراقی برای کودتا"

(خمینی ۲۹/۱/۵۹ و ۲/۲/۱۳۵۹) و  
تکبیر صدام و دعا برای سرنگونی وی -  
(خمینی ۲۰/۱/۵۹) و بالاخره آموزش  
نظامی مخالفین عراق، عناصر وابسته به  
حزب الدعوه که پس از طی دوره آموزش نظامی  
بعد پدار خمینی میروند (۱۶/۲/۱۳۵۹)  
و تخصیص امکانات تبلیغاتی و راد پوئسی  
بر علیه عراقی بخشی از این تلاشهاست.  
درگیریهایی سیاسی - نظامی اوج

میکرد و از آنجا که اهداف شخصی در  
پشت تبلیغات فریبکارانه سردمداران رژیم  
نهفته است آنها هیچ علاقه‌ای به مذاکره و  
سازش‌اندازند.

از آنجا که بسیاری از اهداف ذکر شده  
برای بهره‌برداری از جنگ برای همدرد و  
جناح لیبرالها و کنگره‌های در حاکمیت مطرح  
است، علیرغم اختلاف بسیاری که باید یکدیگر  
دارند و علیرغم کشمکش قدرت، هر یک از دو  
جناح سعی می‌کند از زاویه منافع خود  
توده‌ها را گوشت دم توپ سازد. اکنون  
جنگ در ابعاد گسترده‌ای جریان یافته  
است و جناحهای رقیب حاکم، در سایه  
جنگ در جستجوی تحقق اهداف خویشند و  
کسب اهرمهای بیشتری در قدرت حاکمه. اما  
بچه اشتراک آنها استفاده از جنگ و رسایه  
آن سرکوب بی‌امان انقلاب، هرچند که در  
مرحله تدارک جنگ خلق ترکمن اولین قربانی  
سرکوب گسترده و خونین رژیم بود و پس از  
آن خلق عرب قتل عام شد. خلق کرد نیز که  
از ابتدا ای بقدرت رسیدن رژیم جز گولسو  
خمیاره و راکت از رژیم ارضی نداشت اما  
با آغاز جنگ و بهره‌گیری از روحیه دفاع -  
طلبی توده‌های عقب مانده، رژیم موقعیت  
را مناسب یافت تا سرکوب سراسری، گسترده  
همه جانبه و وحشیانه خود را به پیش برد.  
علیرغم سرکوبهای وسیع، نیروهای انقلابی و  
کمیسیست به مقاومت برخاسته بودند.

در بهمن ۱۳۵۹ علیرغم خفقان حاکم،  
میتینگ پرشور سازمان بنیاسبت سالگرد  
قیام و سیاه‌هنگ با شکوه خاصی برگزار شد و  
رژیم را به شدت وحشت زده کرد. سازمان  
مجاهدین نیز که هنوز بطور قطع از مبارزات  
انقلابی توده‌ها نبریده و خود را با اهرمهای  
سوسیال دموکراسی اروپا، ماوراء مبارزات  
توده‌ها و انقلاب قرار داده بود، به  
مقاومت و مبارزه انقلابی ادامه می‌داد.

وحشیگری‌های رژیم از یکسو و فشارهای  
اقتصادی ناشی از بحران هردم فزاینده از  
سوی دیگر موجب گردید تا توده‌ها بتدریج  
از رژیم جدا شده و با اهمیت جنگ ارتجاعی  
بطور روزافزونی برای کارگران و زحمتکشان  
اشکار گردید. اما رژیم که جنگ را اهرمی  
برای مقابله با انقلاب و حفظ موجودیت  
خود می‌دید هنوز به اهداف جنایتکارانه  
پشت پرده و نهان خود دست نیافته بود.  
به جنگ تدایم می‌بخشید و تلاشهای بین -  
المللی برای توقف جنگ بجائی نمی‌رسید.

اگر در ابتدا ای جنگ با حضور ارتش عراق در  
خاک ایران، رژیم برای ادامه جنگ، بسا  
توجیه دفاع از میهن "قادر بود توده‌ها را  
بمدافع طلبی سوق دهد اما درست چند روز  
پس از آغاز رسمی جنگ، هنگامی که دولت  
عراق پیشنهاد آتش‌بس و مذاکره برای صلح  
رامطرح ساخت، محاکمه صدام و وارنژ شدن  
قسط اول خسارات وارده از سوی رژیم بیان  
کشیده شد. اما واقعیت همان چیزی است  
که رفسنجانی خائن دنباله در صفحه ۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران است



## امپریالیسم و جنگ

## فریکارانه در مقابله با

جنبشهای آزاد بیخشم ملی در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره مطرح برد تا از - لذا ساله "استعمارزدائی" و اصطلاحی استقلال ظاهری به یک سلسله از کشورهای تحت سلطه آغاز شد و همزمان برنامه پیروانی کردن کشورهای عقب ماند مو رفسرم های ارض، صدور سرمایه به این کشورها و ایجاد بازار فروش کالاها برای امپریالیستی در دستور کار امپریالیسم جهانی قرار گرفت. با پمپای این سیاست، تقویت به نظامی این کشورها جهت حفظ سلطه امپریالیسم مجد انه ملی گشت. در این میان از آنجا که امپریالیسم امریکا کثرتصدمات ناشی از جنگ را متحمل شده بود، قادر گشت نقش سرکردگی جهان امپریالیستی را به خود اختصاص دهد. اما تمامی این سیاستها قادر نبود بحرانهای مردم فزاینده دول امپریالیستی را کاهش دهد. از اینسرو جنگهای منطقه ای پمپا به یکی از کانالهای تخفیف بحرانها و تفاد های درونی اردوگاه امپریالیسم در دستور کار قرار گرفت. جنگهای منطقه ای ضمن آنکه انحصارات بزرگتسلطیاتی را از رکود می رهانید و کشورهای درگیر جنگ را هرچه بیشتر به دول امپریالیستی وابسته می ساخت. تفاد های درونی امپریالیستها را در جهت گسترش نفوذ خود در کشورهای درگیر جنگ تعدیل می نمود.

با این مقدمه، رابطه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و چگونگی بهر بهر برداری امپریالیسم جهانی از آن در خطوط کلی ترسیم می شود اما برای روشن شدن ابعاد ساله، ضروریست تا موقعیت ایران را به مثابه یکی از پایگاههای مهم و استراتژیک امپریالیسم امریکا چه قبل از انقلاب و چه پس از آن مورد بررسی قرار دهیم.

همانطور که در پیش آمد، پس از جنگ جهانی دوم که منجر به سرکردگی امپریالیسم امریکا بود دیگر امپریالیستها شد، یکی از مناطقی که در چهارچوب سلطه امریکا قرار گرفت کشورهای حوزه خلیج فارس بود. این جابجای یعنی عقب نشینی انگلیس و جایگزینی امریکا تحت عنوان استعمارزدائی و اعطای استقلال صورت گرفت. اما همانطور که اشاره شد الزاماً با حضور نظامی مستقیم حفظ سلطه تامین نمیشود بلکه کافی بود رژیمهای سرسپرده و وظیفه حفظ وتد اوم نفع امپریالیسم را تامین کنند. در این میان دگرین نیکسوند در حوزه خلیج فارس پیاده شد.

بر اساس این دگرین، برخی از کشورهای منطقه موظف گشتند، یک نقش فعال سیاسی نظامی ایفا کنند. این نقش هارت بسود از

حفظ ثبات رژیمهای سرسپرده منطقه، ایضی نفکترهایی که برای انحصارات امپریالیستی نفع حاصل می کردند و مقابله با جنبشهای - رهائی بخشی که فریب فرقه های ارتجاعی را نخورده بودند و بالاخره کنترل پیوسته تثبیت وضعیتی که پس از استعمارزدائی گذاشتی و خروج نیروهای انگلیس پیچیده بود.

در این مرحله استعمار نو بتدریج جای استعمار کهنه را میگرفت و ایران که نسبت به دیگر کشورهای منطقه از ویژگیهای خاصی برخوردار بود و ساخت سرمایه داری وابسته در آن استقرار یافته بود بهزاند ارضی منطقه برگزیده شد. ویژگیهایی که موجب گشت تا ایران برای واند ارضی برگزیده شود در وجه غالب موقعیت استراتژیک ایران بود. از اینرو

پس از جنگ جهانی دوم تا دهه ۱۳۴۰ دوران تثبیت سرمایه داری وابسته و همچنین تثبیت موقعیت امریکا در ایران بصورت طسی شد. ارتش ایران به سلاحهای پیشرفته امریکایی و آموزشهای لازم مجهز گشت و بصورت یک کشور قدرتمند منطقه درآسد و اما درکی کامل یافت تا نقش استراتژیک خود را در خدمت به امپریالیسم امریکا ایفا نماید و به "کمربند ایضی" امریکا در مقابله با جنبشهای انقلابی و کمونیستی بپیوندد. این کمربند ایضی که یکسوی آن ترکیه و سوی دیگر آن پاکستان بود، نقش ایران را بصورت حلقه رابط و مهمی که در صورت جدا شدن و حذف آن می توانست منافع امریکا در منطقه را با خطرات جدی مواجه سازد مطرح می کرد.

اما در میان کشورهای تشکیل دهنده "کمربند سبز"، موقعیت ایران و نیز ترکیه به دلیل همسایگی یا ضروری هم مورد توجه قرار داشت و در مقابل آنچه که امریکا "نفوذ و توسعه شوروی در منطقه ای که منافع حیاتی امریکا قرار دارد" می خواند، با همین توجه و در واقع بخاطر نقشی که رژیم ایران در سرکوب جنبشهای انقلابی و کمونیستی ایفا میکرد در زمره کشورهای استی قرار گرفت که از کمکهای بیدریغ امپریالیسم امریکا برخوردار میشدند.

اما جدا از موقعیت استراتژیک ایران که توجه خاص امپریالیستها را بخود جلب کرده بود، منابع زیرزمینی عظیم پترو نفت ونیروی انسانی بیشتر آن نسبت به دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس بود. همچنین به دلیل تسلط سرمایه داری وابسته موقعیت مناسبی جهت سرمایه گذاری و بازار مناسب جهت جذب کالاها برای امپریالیستی و تسلیحاتی بود. ایران آنچنان جزیره ثباتی برای سرمایه داری امریکایی بحساب می آمد که یک سوم سرمایه گذاریهای موجود در شرکت های امریکایی اختصاص یافت.

اعطای نقش زائد ارضی منطقه به شماره تدریج ابعاد گسترده تری یافت بطوری که نه تنها ارتش در سرکوب وحشیانه جنبش ظفار شرکت جست، بلکه برای سرکوب خلق

قهرمان ویتنام نیز فعالانه وارد عمل شد و هوزمان وحشیانه ترین سرکوبهای داخلی را نیز به پیش برد. اما انقلاب ایران که علیه رژیم سازش خیمینی و دیگر رهبران خمینی صوری اسلامی با امپریالیستها از کنترل انسان خارج شد و ابعاد گسترده تری یافت، ارتش تا دندان مسلح امریکایی شاه را تا حدودی در هم شکست و تودمهای خشمگین با حمله به پادگانها و خلع سلاح مزدوران باران رژیم را به سبیل مبدل ساختند و رویاهای امپریالیسم امریکا را در تسلط کامل بر منطقه هرچند موقتا در هم شکستند.

انقلاب تودمهای مردم نه تنها زائد ارضی ایران را به زیر سوال برد بلکه خطر اشاعه جنبش انقلابی ایران به منطقه و شکست زنجیره ای که بهترین حلقه آن ایران بود را نیز به نسیال آورد. اگر روند انقلاب و گسترش موج توفنده انقلاب منجر بمعانیت کارگران و زحمتکشان میشد، تمامی منافع امپریالیسم جهانی و در راس آن امریکا در منطقه با خطر جدی مواجه میشد. اما اکنون شاهد آنیم که به برکت حاکمیت ضد انقلابی جمهوری اسلامی نه تنها منافع امریکا در معرض خطر قرار نگرفته بلکه از جبهاتی، بسیاری از برنامه های امریکا در منطقه هلی شده است. یکی از ابزارهای مهم جهت تحقق برنامه های فوق نیز جنگ ارتجاعی ایران و عراق بوده است که اکنون وارد پنجمین سال خود می شود.

خواسته های امپریالیسم امریکا از جنگ ایران و عراق چه بود؟

۱- بازسازی ارتش و باز یافتن نقش سرکوبگرانه خود در منطقه - به برکت جنگ ارتجاعی ایران امریکا پیروزه در آغاز آن در پوشش دفاع از مین تجلی یافت جامه عمل پوشید. پایهای آن ارگانهای سرکوب دیگر نظیر سپاه و بسیج و کمیته نیز سازماندهی گسترده نمود نظیر دیگر هم اکنون نیروهای مسلح ایران رقیب در حدود ۵/ تا ۲ میلیون نفر را تشکیل میدهند و این خود یکی از ابزارهای کسب زائد ارضی در منطقه است.

۲- سرکوب جنبشهای انقلابی در منطقه رژیم جمهوری اسلامی در سایه جنگ نفعی تا در گشت سرکوب جنبش انقلابی و کمونیستی ایران را به پیش برد و خواسته های انقلابی تودمها را به بهانه جنگ منکوب سازد. بلکه توانست با تقویت جنبشهای ارتجاعی منطقه نظیر حزب الدعوة عراق، حرکت اسلامی افغانستان، جنبش امل در لبنان و... جنبشهای انقلابی را بشدت تضعیف نماید و "کمربند سبز" امپریالیسم امریکارا بشدت تحکیم بخشد. گسترش مناسبات همزمانه با کشورهای مسلمان و دوست یعنی رژیمهای دیکتاتوری نظامی پاکستان و ترکیه زمینه های احیای پیمان نظامی سنتو در دست هان برنامه های است که امریکا بتوسط شاه علی گزیده بود و دنباله در صفحه ۷

## پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

امپریالیسم و جنگ

اکنون اسلام پناهگان جمهوری اسلامی پیچیدار احیای آن شده اند. ۳- احیای ژاندارسی منطقه رژیم اسلامی ایران در رویای سلطه‌گری بر کشورهای منطقه بسر میرود و این سلطه‌گری را در سایه پان اسلامیسیم موروثی از سلف خود یک حق طبیعی میدانند، جنگ را بهانه خوبی جهت تحقق اهدافش یافته است. اما پان اسلامیسیم پروروزی ایران چیزی نیست جز شاه اسلام در مقابل باخطر کمونیزم در منطقه. و این دقیقاً همان خواست و برنامه امپریالیسم آمریکا در منطقه است. بی جهت نیست که رژیم پاکستان و دیگر کشورهای منطقه بدستور ارباب خود قوانین اسلامی را پیاد می‌کنند. ۴- جنگهای منطقه پشاه راصد تخفیف بحرانهای امپریالیستی و کسب سلطه در منطقه در چهارچوب تضادی امپریالیستی. بدنیال جنگ ایران و عراق که دامنه آن خلیج فارس را نیز دربرگیرد، آمریکا موفق گشت تا با افزایش صادرات نفت مرستان سعودی که عمدتاً شرکتهای نفتی آمریکائی در آن دست دارند، بیشتر کشورهای رانصب خود سازد و بازار جهانی نفت را به کنترل

خود درآورد. علاوه از آنجا که بهترین صادرات نفتی مرستان از خلیج عقبه میگردد و بنابراین تشنج در خلیج فارس و تنگه هرمز منافع آمریکا را چندین بار به خطر می‌اندازد. اما برعکس منافع کشورهای اروپائی و ژاپن شدت در معرض خطر قرار میگیرد (۶۵ درصد نفت کشورهای اروپائی و ژاپن از تنگه هرمز میگردد) آمریکا از گسترش جنگ در خلیج فارس بیشترین بهره‌برداری را کرد و بویژه از آنجا که در استان برکزاری کفرانسی ۷ کشور دامنه جنگ در خلیج فارس ابعاد گسترده‌ای یافت. آمریکا از موضع قدرت در کفرانسی شرکت جست و توانست امتیازات بسیاری بنفع خود بچنگ آورد. همچنین به بهانه ایجاد امنیت برای نفتکشهای خلیج فارس نه تنها خرید اسلحه و مهمات از آمریکا شدت در منطقه افزایش یافت بلکه حضور نظامی آمریکا در منطقه نیز باعث توجه گردید بطوریکه ناوگانهای آمریکا در این منطقه حضور غلنی و آشکار یافته‌اند. ۵- منافع انحصارات بین‌المللی از جنگ در سایه جنگ ارتجاعی ایران و عراق زراد خانهای انحصارات تسلیحاتی بویژه آمریکا رونق بیشتری یافتند زیرا که نه تنها ارتش ایران از لحاظ تسلیحاتی وابسته به آمریکا می‌باشد بلکه به بهانه جنگ دیگر ارتشهای منطقه نیز که می‌بایست تقویت شوند، به



به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه تصویب هیات وزیران منحصرأ برای تامین قسمتی از هزینههای جنگ تحمیلی اختصاص داده شود. و برطبق بند ج همین تبصره دولت موظف است از اعتبار موضوع بند الف این تبصره حداقل ۵۰٪ انرا جهت خرید اقلام عیدیه دفاعی تخصیص داده و ۱۰ میلیارد ریال آنرا برای عطیات مهندسی جبههها در اختیار وزارت جهاد سازندگی قرار داده و مابقی را جهت هزینههای عطیات جنگ اختصاص دهد. در اینجا کاملاً تبلیغات رباکارانه حکومت در مورد بذل توجه به جنگ زدگان و دیگر موارد ناشی از جنگ نمایان می‌شود، حکومت باصطلاح هزینههای ناشی از جنگ را برای گرم نگاه داشتن کوره جنگ، سرکوب توده‌ها و باج دهی به دلالان بین‌المللی اسلحه بکار میگیرد. در مورد هزینههای پیش‌بینی نشده نیز چنین می‌خوانیم: "هزینههای جاری ستادی مربوط به بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده از محل اعتبارات ردیف ۱۰۰۳۰۰ (همان هزینههای پیش‌بینی نشده) قسمت چهارم این قانون تامین خواهد شد." اگر به اطلاعات فوق اضافه کنیم که طبق تبصره یک بودجه ۶۳ میزان تنخواه گردان خزانه در سال ۶۳ دوست میلیارد ریال است و بد آنهم که تنخواه گردان وجه نقدی است که از محل ان هرخرج فوری را انجام دهند. درخواهیم یافت که رژیم جمهوری اسلامی پایش لب‌گور است و این تنخواه گردان نیز مخارج فراخردان توده‌ها است.

پرد بها بکناری رفته و رژیم ارتباط کلیه وزارتخانهها و موسسات و نهاد های دولتی و اسلامی را در تامین بودجه نظامی آشکار نموده است. بند ج تبصره ۸ بودجه سال ۶۳ در این مورد بسیار گویا است: "به وزارت دفاع جمهوری اسلامی ایران و وزارت سپاه پاسد اران انقلاب اسلامی اجازه داده می‌شود که اقلام عیدیه دفاعی و وسائل و تجهیزات و سایر اقلام آمادی مورد نیاز یکدیگر و داند ارودی جمهوری اسلامی شهرتانی جمهوری اسلامی و سایر وزارتخانهها و موسسات دولتی و کمیتههای انقلاب اسلامی و سایر نهاد های انقلاب اسلامی و شهرد اربها را برحسب درخواست و در حدود اعتبارات مصوب در بودجه سازمان های مربوطه به ترتیب زیر تامین نماید (تاکید از باست) "برای روشنتر شدن ارتباط کلیه وزارتخانهها و موسسات دولتی و انقلاب اسلامی در امر نظامیگری رژیم، کافی است جزء ۳ همین بند ج بیان شود که دستگاههای مشمول این تبصره پس از دریافت صورت حساب اقلام تحویلی از وزارتین مذکور (دفاع و سپاه) وجوه دریافتی را بر اساس صورت حسابهای مزبور و صورت مجلس تحویل و یا قبض انبار مربوطه بحساب قطعی منظور خواهند کرد". از طرف دیگر در بودجه سال ۶۳ تکلیف ارتباط "هزینههای ناشی از جنگ تحمیلی" و "هزینههای پیش بینی نشده" یا بودجه نظامیگری روشن شده است. طبق بند الف تبصره ۹ بودجه سال ۶۳ اعتبار جاری منظور در ردیف ۱۰۰۳۰۰ (همان هزینههای ناشی از جنگ تحمیلی) قسمت چهارم این قانون بنا

نکاتی پیرامون...

یعنی این نسبت از رشدی برابر با ۶۱ درصد برخوردار بوده که اگر از جهت عکس به آن بنگریم عمدتاً نشانه تنزل وضعیت کارگران و کارمندان طی همین مدت می‌باشد. از سوی دیگر نسبت هزینههای نظامی به کل هزینههای جاری و ثابت هم نمایانگر وضعیتی است که نظامیگری رژیم بمبهای رکود و تنزل در بخش همرانی (هزینههای همرانی) و تنزل در وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشسان حاصل شده است. بهرحال این ارقام فقط گوشه‌هایی از هزینههای نظامیگری رژیم را نشان می‌دهد. بخش از این هزینهها از طره غیر بودجهای و باصطلاح کله امت حزب الله تامین می‌شود که نمونه‌هایی از آن عبارتند از سرکوب کردن دانش‌آموزان در جمع‌آوری کله‌های جنسی که حالتی اجباری دارد، کله‌های باصطلاح نقدی کسه که در حقیقت اما بزور گرفته میشود، کم کردن اجباری دستمزدها و حقوق و مزایا از کارگران و کارمندان و اینها همه برای پرکردن جیب سرکوبگران توده‌ها بکار می‌رود. در قانون بودجه سال ۱۳۶۳ که فقط تبصره‌های در سطح محدود در اختیار نمایندگان مجلس و وزارتخانهها قرار گرفته و ریز اقلام آن منتشر نشده، بر اثر شدت بحران سیاسی - اقتصادی، گوشه‌ای از

نکاتی پیرامون....

نیروهای فرهنگی و "جهاد سازندگی" و... اعلام میشود.

از آنجا که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از نظر سیاسی در سایه سرکوب و تحمق و جاسوسی سادات طبقاتی خود را اعمال میکند. کلیه ارگانها و نهاد های آن نیز همگی در همین راستا حرکت میکنند و اصولاً این ارگانها و نهاد ها بسمین منظور بوجود آمده اند. برای مثال اگر بخواهیم بدانیم که بودجه نظامی چه میزان است و چقدر درصد بودجه کل کشور را تشکیل میدهد، با این مشکل مواجه میشویم که این بودجه را تقسیم کرده و تحت عناوین مختلف منظور نموده اند. بعنوان مثال کافی است به دو فصل

نقل قول از نمایندگان مجلس درباره بودجه سال ۶۳ توجه نمایم:

مجید انصاری در جلسه ۱۴ اسفند ۶۲ گفت " دستگهای دولتی الان کلی از پرسنل و امکاناتشان در جبهه دارد کار میکند بحساب دستگاه هزینه هایشان گذاشته میشود در حالیکه صرف جنگ میشود. وزارت راه در اینجا آمار بدهند چه تعدادی از ماشین آلاتشان در جبهه است؟ جهاد سازندگی چه تعداد از پرسنل و امکاناتشان در جبهه است؟ سایر ادارات هم منظور. اینها هزینه های جاری دستگهای اجرائی محسوب میشود در حالیکه واقمیت آن اینست که در جبهه دارند اینها را بکار میکنند و هزینه جنگی را باید با ملاحظه همه این مسائل لحاظ کرده وزارت بهداری الان میتواند که ۷۰ تا ۸۰ درصد امکاناتش را در رابطه با جنگ بطور مستقیم یا غیر مستقیم اینها را دارد بکار میگیرد در ارتباط با جنگ است. در حالیکه در ردیفها بودجه جاری وزارتخانه قید شده است."

البته نیز در جلسه ۱۵ اسفند ۶۲ گفت که " ما یک قلم مشخص ۴ میلیارد تومان ( منظور هزینه های ناشی از جنگ تحمیلی در بودجه سال ۶۳ میباشد ) در مورد هزینه های جنگی داریم. اما وقتی نگاه میکنیم در جوار اینها یعنی در جوار همان ۴ میلیارد تومان هزینه های دیگری صورت میگیرد که اگر جنگ نبود آن هزینه ها صورت نمی گرفت. من بنا به مصالحی تک تک این اقلام را نمیخواهم اما فقط صورتش را ذکر میکنم. افزایش هزینه وزارت دفاع، وزارت سپاه و ژاندارمری، هزینه های تحقیقات وزارت دفاع سازمان صنایع دفاع بنیاد امور مهاجرین که اگر جنگ نبود مسلماً این هزینه را نداشتیم. بنیاد شهید که باز چیزی است که به تبع جنگ بوجود آمده است. بازسازی مناطق جنگی و وزارت راه و ترابری ( هزینه هایی که وزارت راه و ترابری در رابطه با

جبهه ها دارد که مبلغش هم مشخص است) بهداری و وزارت بهداری علاوه بر خدمات معمولی که در شرایط غیر جنگ باید بدهد هزینه سنگینی دارد در رابطه با جنگ و فعالیتی که در جبهه ها دارد. هزینه های ساختمانهای نظامی باز این یک قسمت دیگر است. صد اوسیمای جمهوری اسلامی ایران در رابطه با تبلیغات جنگ و همچنین در رابطه با حضور در جبهه ها و کارهایی که آنجا باید انجام بدهد. همه اینها را که حساب بکنیم مبلغی در حدود ۱۱۴ میلیارد تومان میشود که این ۱۱۴ میلیارد تومان را اگر تقسیم بر ۳۶۵ بکنیم ( ایام سال ) هزینه جنگی ما در هر شبانه روز حدود ۳۱۰ میلیون تومان میشود. یعنی در هر شبانه روز ما داریم ۳۱۰ میلیون تومان هزینه جنگی می پردازیم و اگر هزینه جنگی یعنی ۱۱۴ میلیارد تومان را از ۳۶۰ میلیارد تومانی که هزینه جاری ما هست کم بکنیم میشود ۱۴۶ میلیارد تومان."

بدیهی است ۱۱۴ میلیارد تومان فوق الذکر بجز از هزینه نظامی است که رژیم رسماً به ارگانهای سرکوب تخصیص میدهد و این هزینه های مستقیم بر اساس بودجه سالهای ۶۰ الی ۶۲ بقرار جدول ( الف ) میباشد. لازم به یاد آوری است که بودجه سال ۶۳ بصورت کل درآمد و هزینه و تبصره های آن تصویب شده است.

( جدول الف ) - ارقام به هزار ریال

بررسی جد اول فوق نشان میدهد که چگونه رژیم سالوس جمهوری اسلامی، هزینه های نظامی خود را تحت واژه های کلیشه ای اعلام میکند در این رابطه نکات ذیل قابل ذکر است:

الف - علاوه بر ارقام فوق و مبالغ دیگری نیز در شکم سایر اعتبارات منظور شده که از آن جمله است ۱۷/۵ میلیارد ریال پاداش سال ۵۸ ارتش که طبق تبصره ۳۳ بودجه سال ۶۲ اعتبارات دولت و مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال بازسازی و نوسازی مناطق جنگ زده، از محل هزینه های پیش بینی نشده دولت تامین شده است.

ب - ارگانهای فوق و از همه مهتر وزارت دفاع ملی دارای تعداد زیادی کارخانه میباشد که با استثمار شدن کارگران، وسائل جنگی و حتی کالاهای مصرفی ( مثل باتری اتومبیل ) تولید میکند و نتیجه سود حاصل از استثمار کارگران نیز بصرف همان هزینه هایی میرسد که در بودجه تخصیص داده شده بعنوان مثال دیگری میتوان از فروشگاههای زنجیره ای سپه که در اختیار ارتش است نام برد. سود های حاصل از فروش این فروشگاهها، مستقیماً به مدار هزینه های نظامی و جنگی منتقل می شود و برای افزایش سود آنها، طرحهای انحصاری نیز بمرحله اجراء آمده است. از جمله می توان به سه ساله گوشت و سود های ناشی از آن اشاره

Table with 3 columns: سال ۱۳۶۰ پوز اختیسی, سال ۱۳۶۱ مصوب, سال ۱۳۶۲ برآور. Rows list various military and administrative items like 'کمیته مرکزی انقلاب اسلامی', 'شهریاتی جمهوری اسلامی', etc., with corresponding budget figures.

کرد: آنچه که بعنوان گوشت آزاد معروف است کیلویی ۷۵۰ ریال به صرف کنندگان فروخته می شود، در حالیکه فروشگاههای سپه که انحصار واردات گوشت را در اختیار دارند این گوشت را هر کیلو ۲۵۰ ریال خریداری کرده و با هزینه توزیع که حدوداً ۱۰ تومان میشود به سازمان گوشت برداخت میشود، و نیاله در صفحه ۱

همانطور که قبلاً از زیا ایندگان مجلس گفته شد. علاوه بر اعتبارات فوق و مبالغی نیز به ارگانها سازمانها و شرکتهای دیگر تخصیص داده شده که جزء لاینفک اعلام بالا است. در جدول ( ب ) بعلاوه دسترسی به ریز اقلام مصرف شده بودجه فقط ارگانها و سازمانها و شرکتهایی که مستقیماً وابسته امور نظامی و جنگی هستند آورده شده است.

مبارزه ضد امپریالیستی، از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست





چگونه می‌توان ....

از جنگ، مبارزه طبقاتی راضی‌میسازد و نیز تغییر و تحولات جهانی که مستقیماً بر شرایط جنگ تأثیر می‌گذارند - از اهمیت علی‌فوق‌العاده‌ای در چگونگی انتخاب ناکتیک، شکل طرح شمارها و ... برخوردار است.

حال باید دید وضعیت کنونی نیروهای اجتماعی و سیاسی در رابطه با مسأله صلح چگونه است و چه تغییراتی را در پروسه جنگ از سرگردانده‌اند؟

بورژوازی چگونه و چه‌منظور به جنگ خانگی می‌دهد؟

در آغاز جنگ، تحت شرایط اقتصادی - اجتماعی آن زمان، بورژوازی و ملحقانش (بخشهای الحاقی خرده بورژوازی به بورژوازی) تمایل به تحمیل جنگ بر جامعه را داشتند. این تمایل در مورد کلیه جناحهای حاکم جمهوری اسلامی و بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی صادق بود. البته، در مورد پاره‌ای از عوامل و اهدافی که سبب شد بورژوازی جنگ را بر جامعه تحمیل کند، بین بخشهای مختلف بورژوازی تفاوت‌هایی وجود داشته است. این تفاوتها از ساله قدرت سیاسی و منافع بخشهای مختلف سرمایه نشأت می‌گیرد.

بورژوازی و الحاقیاتش مجموعه را فروختن و در آن زن به جنگ تمایل داشتند. در اینجا مجال بررسی جامع و تفصیلی از زمینه‌ها و اهدافی که به جنگ منجر شد، نیست. اما مختصراً میتوان عوامل مشترکی را برشمرد که کلیه بخشهای مختلف بورژوازی را در خط برپایی جنگ قرار میداد. از جمله مهمترین این عوامل مشترک عبارتند از توسعه طلبی بورژوازی (داشتن نقش هژمونیک برای ایفای نقش‌زاند ارضی در منطقه - صرفنظر از شکل ارائه و نحوه پیشبرد آن همچون مسأله پان اسلامیم و دفاع از اسلام و یا حفظ عظمت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و مقابله با تروریسم در منطقه)، بازسازی ارگانهای سرمایه‌داری و بویژه ارتش (باتوجه به ادراک و اهداف نسبتاً متفاوت بخشهای مختلف، لیکن در یک چارچوب مشترک) و سرکوب قطعی انقلاب (سرکوب توده‌ها و از هم پاشاندن نیروهای سیاسی، انقلابی، پایان بخشیدن به بحران انقلابی حاکم بر جامعه و ...). این عوامل کل بورژوازی را در پیوند با یکدیگر قرار میداد.

در همین حال عوامل ویژه و یابرداشت‌هایی ویژه از عوامل مشترک، جناحها و بخشهای بورژوازی را از یکدیگر متمایز می‌نمود. بعنوان مثال، تثبیت قدرت سیاسی بایبهره‌گیری از جنگ، اهداف بورژوازی حاکم

سیاست توسعه طلبی حکومت نیز باتوجهبه نساتوانی‌های ماهیتی خود، توازن سیاست‌های جهانی در منطقه، آفته ماهیت پان اسلامیم برای توده‌های منطقه و ... با شکست مواجه شده است. تداوم جنگ هرچه بیشتر رژیم را در عرصه جهانی منزوی و بی‌آبرو میکند. و دیپلماسی رژیم را به بن‌بستی نمی‌برد.

ادامه جنگ راضی‌میسازد و حکومت را افزایش داده و میدهد. و حکومت در مقابل این مسأله که "چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟" پایتخت پوست کرد و است. بخشهایی از هیات حاکمه که صلاح تداوم حکومت را در صلح می‌بینند بعنوان مثال میتوان "بمروحانیت میاز" و مهدوی‌کشی اشاره کرد (مهدوی‌کشی در نماز جمعه سال گذشته در دانشگاه تهران به صراحت از مسأله صلح صحبت کرد و شرایطی که از سوی وی عنوان شد فقط دربرگیرنده بخشی از شرایط صلح رسمی اعلام شده از سوی رژیم بود)، در حالیکه بخشهایی دیگر به صلح بعنوان مرگ رژیم می‌نگرند. اگرچه اینان نیز بتجربه، دیگر امیدی به پیروزی‌های نظامی ندارند. و سیاست غالب جنگی را در شکل نه جنگ و نه صلح به پیش می‌برند.

در همین حال به امید معجزه‌ای از کائنات‌های دیپلماتیک هستند که آنان را ازین بست جنگ برآورد. اما حکومت خود این کانالها را با مداخلات در اعمال دیپلماسی اسلامی و با شرایط صلح اعلامی از جمله سرنگونی صدام و ایجاد حکومتی مردمی که فقط و فقط باید حکومت اسلامی حزب الله بوده باشد. مسدود کرده است. و بازگشایی آن بمعنی عدول از خواسته‌های است که به سادگی برایش میسر نیست. اگرچه در شرایط اضطراری (باوجود بهای سنگین و صرفنظر از نتایجش) غیرممکن نمی‌باشد.

با این اوصاف تحت شرایط خاص حکومت به صلح کردن می‌گذارد. اما همانگونه و همان شیوه که به آزادی گروگانها کردن گذارد. اگرچه این بار سائلی که رژیم را احاطه کرده است با سائلی که در مورد آزادی گروگانها وجود داشت یکسان نیستند از جمله این مسائل، حل معضلات نیروهای حزب اللهی، آزاد شدن ارتش و سپاه از جنبه جنگ و فعال شدن در جنبه سیاسی با تمام تبلورات تضادهای حکومت و غیره. با این وجود حکومت تحت شرایطی همچون تشدید خطر نیروهای اپوزیسیون و نیروهای انقلابی، تغییر و تحولات جهانی که مستقیماً بر امر جنگ و خاتمه آن مؤثر باشد، تشدید بحران انقلابی و برآمد‌های توده‌های گسترده و پراکنده تحول و تکامل تضادهای درونی حکومت و عواملی نظیر اینها ممکن است به صلح دهد. در آنصورت ولی فقیه باتفسیرهای شرعی از صلح و اینکه خداوند گفته است برگزافران رحیم باشید و فتاوی پشت بند بر امر صلح و اشرف

سیاست جنگی حکومت به ضد خود تبدیل شده و تناقضات مرکزاً حکومت را در جنبه خود می‌فشارد. نکتت جنگ، برکت جنگ را زایل می‌سازد. در پناه جنگ، بی‌حقوقی مطلق و تروریسم آشکار حاکم شد. سرکوب توده‌ها و نیروهای انقلابی به فحیح‌ترین و خشن‌ترین شیوه‌ها آغاز شد و سازمان‌های سیاسی با ضربات شدیدی مواجه شدند، اما توده‌ها سرکوب نشدند. بخواب نرفتند و رکود سیاسی بر آنان حاکم نشد. اگرچه در مبارزات آنان افت موقت حاصل شد، فجاج سنگین بود، اما مقاومت توده‌ها خارج العاده. ضربات وارده بر سازمانهای سیاسی (انقلابی) از حد افزون بود، اما سازمان‌های اصلی نابود نشدند، خود را ترمیم کردند. در نیمه راه جنگ، دیگر سیاست سرکوب بی‌اثر گشت و بعضی خود تبدیل شد. در پناه جنگ، کیسه‌های زراندوزی ستونهای ستبر انقلاب از درشت و ریز به‌فراخور خود انباشته شد. اما بحران اقتصادی شدت یافت. جنگ در حل تضادهای درونی حکومت ناکام مانده و در ادامه خود به ابزار در جهت تشدید تضادها عمل میکند.

بطور کلی بحران انقلابی که در پناه جنگ "می‌بایست" تخفیف یافته و "حل" شود. همچنان بر جامعه حاکم مانده، قسدرت سیاسی تثبیت نکرده و انقلاب به شکست قطعی دچار نشده است. ادامه حکومت و جنگ، اما به‌دانه بحران انقلابی می‌افزاید.

### از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

چگونه می توان ....

میکنند! بهر حال صلح رژیم (در صورت تحقق) صلحی است در جهت تد اوم حکومت و تثبیت خود، در جهت سرکوب نمودن و نیروهای انقلابی و در جهت ایجاد شرایط مناسب برای استثمارگران بویژه انگل ترین بخش آنان، صلح رژیم، صلحی است که شرایط تد اوم همین جنگ را در زمانی دیگر همراه دارد و لذا فقط یک اثر پس موقت بیشتر نیست.

استیصال بورژوازی حاکم در خاتمه دادن به جنگ و بحران انقلابی و تثبیت سیاسی خود شرایطی را بوجود آورده است که بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی بر مبنای آن و با بهره گیری از آن از آن خود را بعنوان منعی از آزادی و صلح به رخ تودها میزند، اینچنان امنیت و آزادی و صلحی که بتواند بطور قطعی رکود سیاسی را بر تودها فائق گردانیده، بحران انقلابی را در هم شکسته و شرایط استثمار و ستم اقتصاد را باصلاح جاودان سازند. آنچه که این بخش از بورژوازی در چینه دارد عمدتاً هدایایی است که از استیصال سرمایه عقب مانده نمایش شده است.

سرمایه داران بزرگ صنعتی و انحصاری و لیبرالهای بیرون از قدرت سیاسی همگی تلاش دارند که ضمن بهره گیری از جنگ و مآذیب جنگ در جهت مقبولیت بخشیدن به خود و حقانیت دادن به قدرت سیاسی خود، بدون اینکه تودها فعال شوند، جنگ را آنچنان خانه بخشند که برای یک دوره طولانی (دوره رکود سیاسی) سلطه سرمایه - سرمایه خ - بر کار تضمین شود. و البته در این مورد خصمیت بورژوازی سلطنت طلب از بورژوازی لیبرال (اسلام پناهان رانده شده از قدرت و وطن اسلام) که از نظر ذهنیت تودها خود مستقیماً در جنگ دستیوند اشتهاوند، ناماستر است. هرچند ارگان بورژوازی لیبرال (شورای ملی مقاومت) که سران خرده بورژوازی را نیز شامل میشود از قابلیت های ویژه ای در خاتمه دادن به جنگ در خط لیبرالی برخوردار است. از آنجمله جسامتی است که سران خرده بورژوازی (مجاهدین خلق) برای خاتمه دادن به جنگ در خط سیاست های لیبرالیستی در تماسهای مستقیم و آشکار با رژیم عراق از خود نشان داده اند. جسامتی که اگرچه در جهت تحقق سیاست های بورژوا - رفرمیستی شورای ملی مقاومت قرار دارد، لیکن بورژوازی لیبرال خود از انجاش عاجز است.

بهر حال، جنگ برای بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی برکات خود را بطور عمده ظاهر ساخته و دیگرچند آن چیز قابل توجهی از آن نمی تواند عاید شود و حتی در صورت برآمدن های تودهای میتواند نتایج معکوس داشته باشد. این امر بویژه برای بورژوازی سلطنت طلب حائز اهمیت میباشد.

ارتش واحد و دی بازسازی شده، شکاف درون قدرت سیاسی در جهت سلطه سرمایه بزرگ و انحصاری افزایش یافته، سپاه ترک برداشته است و تودها نه تنها از حاکمیت بریده اند بلکه زمینهای احیاناً گسترده توهی مجد در نسبت به سلطنت که اساساً بر مبنای خضوت و عقب ماندگی رژیم متکی است، ایجاد شده است. بورژوازی سلطنت طلب بدون اینکه خود مستقیماً در رکوب جنگی توسعه طلبانه باشد، لیکن بعلت عجز رژیم، توانائی خود را در اعمال نقش زائد ارمی منطقه از راه خلف به اثبات رسانده است.

با این وجود، بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی تمایل به برقراری صلح توسط رژیم جمهوری اسلامی ندارد، مگر در صورتیکه بر زمینه جنگ، بحران انقلابی موجود اینچنان حاد گردد که نه فقط رژیم، بلکه سرمایه هم بجزیر ضرب برود. این بورژوازی و بخشهای مختلف آن ترجیح میدهند که مهار جنگ بدست آنان بیفتد و خود صلح را هدایت کنند تا از مزایای فی الفور آن - با توجه به شرایط جامعه در صورتیکه چنین مزایایی وجود داشته باشد - در جهت تثبیت حاکمیت سرمایه خود بر جامعه بهره مند شوند.

بهر حال، صلح بورژوازی در کل، در شرایطی که اجتناب ناپذیر شود، صلحی است بین بورژوازی و سرمایه و از جانب ایران که موضوع مقاله است، صلحی است بر علیه تودها، برای سرکوب قطعی انقلاب و تثبیت حکومت سرمایه (با توجه به اینکه کدام بخش از سرمایه صلح را هدایت کند) بر کار و ایجاد شرایط مساعد برای تد اوم بهره کشی و ستم اقتصادی بر تودها. صلح بورژوازی، از طریق زد و بند، دور از چشم تودها و با منفعل کردن تودها صورت میگیرد. این صلحی است که زمینهای شروع جنگ ارتجاعی را از بین نبرده و همین جنگ و یا جنگهای ارتجاعی مشابه زمانی دیگر بر تودها تحمیل میشود. بورژوازی مغز صلح را خود بر پرده دارد و پوستش را با کارگران و زحمتکشان میدهد.

جنگ و موقعیت تودها

توده ها با وجود گوناگونی طبقات و اقتدار تشکیل دهنده آن و لذا منافع و مواضع گوناگون، در عین حال در هربره از تکامل اجتماعی دارای منافع مشترکی هم میباشند که آنان را در یک صف - صف انقلاب، صف نیروهای خلق، قرار میدهد و لذا، در اینجا، وقتی که از موضع تودها نسبت به جنگ و اینکه چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد؟ بحث میکنیم، غرض آن فصل مشترکی است که کارگران، دهقانان، سرمایه داران و لایههایی از خرده بورژوازی شهر و روستا را بهم پیوند میدهد. پس، در عین عطف توجه به فصل مشترک، باید به گوناگونی شیوهها و مضامین مبارزه تودها و نیز کشش آنان در امر انقلاب توجه داشت.

اکنون، اما نکبت جنگ ارتجاعی در اضمحلال تودها گشته است. جنگ جز فقر و فلاکت، آوارگی و بریدری، قحطی و گرسنگی، گرانی و بیکاری، سرکوب، ترور، خفقان و بی حقوقی مطلق، و جز برب و خرابی و ویرانی آرمغانی نداشته است. اکنون تودها می پرسند: چگونه میتوان به این جنگ ارتجاعی خاتمان سوز پایان بخشید؟

در آغاز جنگ، تب مرفاع طلبی انقلابی در بین تودها شایع یافت و با تکیه بر همین مرفاع طلبی رژیم بورژوازی خود را به انقلاب تشدید کرد. سرور آزادگان فرمود شورایی شوراء. ولی فقیه اجرای بند جیم را در مورد اراضی مزروعی متوقف ساخت. (غرض مرفاع از لایحه کدائی اصلاحات ارضی نیست). نیروهای بسیج در کارخانه ها فعال شدند. سطح معیشتی کارگران و زحمتکشان پایین کشیده شد. سرکوب شدت گرفت و... تودها بتدریج بنیای هیات حاکمه در تحمیل جنگ پی بردند. هرچند نه بطور کامل، تودهای مرفاع طلب بتدریج نسبت به جنگ بی تفاوت شدند و سپهر مخالفت بصورت استهزاء خود را نشان داد. تودهایی که در ابتدای جنگ در مقابل حملات موشکی عراق فریاد میزدند "بنی صدر، بنی صدر، موشک جواب موشک". در حملات موشکی بعدی گفتند: "جنگ، جنگ، کو بورژی - موشک افتاد جای بورژی!" و بدین ترتیب تودها خشم خود را از جنگ غیان میکردند و در تد اوم این موقعیت در حملات بعدی موشکی مستقیماً رژیم را مسئول دانسته و مراسم تشییع به نظاهرات ضد رژیم همراه با شعار "مرگ بر خمینی" که بمعنای مرگ بر جمهوری اسلامی است، تکامل یافت. از این لحاظ تودها بنوعی شکست طلبی دولت خودی در جنگ ارتجاعی گرایش یافته اند.

اکثریت قریب به اتفاق تودها خواهان صلح و خواهان سرنوشتی حکومتند. صلحی که تودها خواستار آنند در بطن خود دارای مضونی و موکراتیک و انقلابی است. اما این ضمون بطور آگاهانه در بین تودها بسط نیافته است. آنها خواهان صلحی هستند که به فقر و فلاکت، بیکاری و گرانی، بی حقوقی و استثمار، خفقان و کشتار و سرکوب... خاتمه دهد. از این لحاظ ضمون صلح تودها با ضمون صلح بورژوازی بسیار متفاوتست. صلحی که تودها خواستار آنند صلحی است که منافع آنان را در مقابل استثمارگران و جباران محفوظ میدارد. لذا این صلح، صلح دموکراتیک، صلح مردمی تنها توسط یک حکومت انقلابی و حکومت کارگران و زحمتکشان، قابل تحقق است. اما تودهای بسیاری هنوز آگاهانه به این ساله اساسی انقلاب واقف نیستند. هرچند بطور غریزی آن را حس میکنند. از اینرو، صلح خواهی تودها و خواست سرنوشتی حکومت جمهوری اسلامی میتواند از سوی بورژوازی بیرون از قدرت سیاسی هرگز بهر میر آری قرار گیرد. در این راه سرار خرده بورژوازی در نیاله در صفحه ۱۲



نکاتی پیرامون...

در ازای هر کیلو گوسفند ۳۵۰ ریال سود میرسد.  
ج - با مقایسه جدولهای ( الف و ب ) به سادگی مشخص میگردد که ارقام "بروردی" سال ۱۳۶۲ در مقایسه با ارقام سالهای ۶۰ و ۶۱ و یاد رنظر گرفتن تورم افسار گسیخته،

بخوبی مشاهده میشود. سال ۱۳۶۱ که ارقام پرداخت شده در جدول منظور شده است هیچگونه صرفهجویی در هزینهها نشده است اما در بودجههای مصوب ۶۱ بمیزان ۵ درصد و برآورد ۶۲ بمیزان ۷ درصد صرفهجویی خواهد شد!!  
جدول ( د ) مقایسه هزینههای نظامیگری رسماً اعلام شده رژیم طبق جدولهای "الف" و "ب" نسبت به ارقام بودجه مندرج در جدول "ج" را نشان میدهد.

بصورتیکه از جدول "د" مشاهده میشود سیاست نظامیگری رژیم سال بسال شدیدتر گشته است. این سیاست که بقای متزلزل رژیم در آن نمود می یابد مبتنی است بر نظامی کردن تمام نهاد های جامعه تا آنجا که مقدور است. در حالیکه نسبت هزینههای نظامی به هزینههای جاری در سال ۱۳۶۰ به ۵۰٪ می رسد، که این خود رقم بسیار بالائستی بحساب می آید. لیکن این نسبت در سال ۱۳۶۲ به ۵۸ درصد افزایش یافته است.

( جدول ب ) - ارقام به هزار ریال

شرح	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۲
	پرداختی	مصوب	برآورد
بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی	—	۳۵۰۰۰۰۰۰	۴۵۰۰۰۰۰۰
بنیاد شهید	۱۰۰۵۰۰۰۰۰	۱۷۰۰۰۰۰۰	۴۰۰۰۰۰۰۰
سازمان نقشهبرداری کشور	۱۰۱۱۶۲۴۴۴	۱۰۵۱۴۰۹۵	۱۷۶۳۲۲۸۰
سازمان انرژی اتمی	۱۰۹۵۹۷۱۷	۱۷۸۷۹۴۵	۴۰۰۰۰۰۰۰
بازپرداخت اصل و بهره وامهای خارجی ( وزارت دفاع )	۶۳۱۰۰۰۰۰	۷۴۸۰۰۰۰۰	۶۲۲۶۰۰۰۰
عملیات اضطراری عمرانی و پیش بینی نشده استانها و وزارت کشور	—	—	۱۰۰۰۰۰۰۰
بازسازی و نوسازی مناطق جنگی	—	—	۲۸۰۰۰۰۰۰
شرکت سهامی صنایع الکترونیک ایران	۱۰۳۱۶۲۵۶	۵۰۰۰۰۰۰	—
شرکت سهامی قطعات الکترونیک	۵۱۹۰۰۰۰	۳۵۷۰۰۰۰	—
شرکت سهامی ابزار ایران	۱۱۷۰۰۰۰	۱۲۸۰۰۰۰	—
جهاد سازندگی	۵۰۰۰۰۰۰	۷۲۰۰۰۰۰۰	۸۵۰۰۰۰۰۰
	۱۳۳۶۴۷۲۸۱۹	۲۰۲۱۰۵۰۴۰	۳۶۶۳۶۳۲۸۰

( جدول ج ) - ارقام به میلیارد ریال

شرح	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۲
	پرداختی	مصوب	برآورد
اعتبارات سرمایه گذاری ثابت	۶۷۴/۷	۱۰۰۳۰/۵	۱۰۲۶۲/۷
اعتبارات جاری	۲۰۳۲/۴	۲۴۵۸/۱	۲۳۴۴/۴
کسر شود صرفهجویی ضمن بودجه	—	—	۲۵۰/۱
	۲۷۰۷/۱	۲۴۸۸/۶	۳۶۱۰۵/۱
	۲۷۰۷/۱	۲۳۱۱/۸	۲۳۵۵/۱

( جدول د ) - ارقام به میلیارد ریال

شرح	سال ۱۳۶۰	سال ۱۳۶۱	سال ۱۳۶۲
جمع هزینههای نظامی رسماً اعلام شده	۱۰۰۰۹/۰	۱۳۴۹/۵	۱۳۶۲/۰
نسبت به هزینههای جاری	۵۰ درصد	۵۴ درصد	۵۸ درصد
نسبت به کل هزینههای جاری و ثابت	۳۷ درصد	۴۰ درصد	۴۰/۵ درصد

بسیار پائین نشان داده شده و بدیهی است که کسری از محل سایر اعتبارات - کلیشهای مندرج در بودجه تامین خواهد شد ( طی سال ۶۲ شاهد بودیم که بارها انتقال اعتبارات را به امور نظامی و سرکوب و تحقیق و حاسوس تصویب کردند ) بر همین مبنا است که هزینه کمینه مرکزی انقلاب اسلامی که روز بروز همس و طولیتر می شود از سال ۶۰ به سال ۶۱ بمیزان ۲۲۰ درصد افزایش و در سال ۶۲ نسبت به سال ۱۳۶۱ بمیزان ۴۰ درصد ظاهراً کاهش نشان میدهد و با "هزینههای ناشی از جنگ تحمیلی" در سال ۶۱ نسبت به سال ۶۰ بیش از ۴۰ درصد افزایش و در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ باز هم بیش از ۳۰ درصد با اصطلاح کاهش داشته است.

رژیم چه کسی را می خواهد بفریسد که هزینههای وزارت دفاع در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ فقط کمتر از یک درصد افزایش داشته با: هزینه پاسداری سرمایه که در سال ۶۱ نسبت به سال ۶۰ حدود ۲۰۰ درصد افزایش داشته، در سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ هیچگونه افزایشی نداشته باشد؟  
بهر حال برای تعیین نسبت هزینههای نظامی و جنگی ( البته فقط آن میزان که قابل تشخیص است ) به بودجه جاری و کل بودجه، تنها جدول ( ج ) که مستخرج از بودجه اعلام شده رژیم می باشد در دست است ولی اینجا نیز سالوسی بودجه نویسان

چگونه می توان . . . .

( مجاهدین خلق )  
که سیاستهای بورژوازی لیبرال را پیش می آورند ، می توانند در انحراف توده ها نسبت به پایان دادن انقلابی به جنگ ارتجاعی - یعنی برقراری صحنی دموکراتیک - مملکت در موشی در خدمت به بورژوازی داشته باشند .

**جنگ و انقلاب**

کمونیستها به این پرسش که " چگونه میتوان به جنگ خاتمه داد ؟ " پاسخ صریح و روشن میدهند . اگر بورژوازی برای تحمیل تودها و پیشبرد منافع طبقاتی استثمارگرانه اش ، خصلت طبقاتی جنگ را پنهان میسازد و اهداف جنگ ارتجاعی را بطرز پیکارانه وارونه جلوه می دهد ، کمونیستها آشکارا باهیت جنگ را اعلام میدارند و بر مبنای آن در مورد جنگ تصمیم گیری میکنند . این صراحت کمونیستها ، برعکس عدم صراحت و ریاکاری نمایندگان سیاسی بورژوازی و سران خرده بورژوازی ملحق شده به بورژوازی از آنروست که کمونیستها هیچ گونه ضایعی ، که از منافع کلیه پرولتاریا جدا باشد ، ندارند ، " کمونیستها " مصالح مشترک همه پرولتاریا را صرفنظر از منافع ملی شان در مد نظر قرار میدهند و از آن دفاع میکنند . و از طرف دیگر در مراحل گوناگونی که مبارزه پرولتاریا و بورژوازی طی میکند ، آنان همیشه نمایندگان مصالح و منافع تمام جنبش هستند . آنها " همیشه محرک جنبش به پیشند " و " شرایط و جریان و نتایج کلی جنبش پرولتاریا بی برده اند " . از اینرو ، پاسخ کمونیستها به اینگونه که میتوان به جنگ خاتمه داد مبتنی است بر منافع کل پرولتاریا ، مبتنی است بر مصالح و منافع تمام جنبش .

کمونیستها ، که مدافع مصالح و منافع جنبش انقلابی تودها هستند ، وقتی که ماهیت جنگ را برملا میسازند ، راه خاتمه دادن انقلابی به جنگ را نیز با اظهار صریح اهداف نهائی آن اعلام میدارند و برای تحقق خواستهای انقلابی جنبش - برزمنه " جنگ - تودها را به آن راجع میکنند . با توجه به آنچه که در مورد ماهیت ارتجاعی جنگ بگونی و اهداف بورژوازی از این جنگ بیان شد ، تنها راه انقلابی برای خاتمه دادن به جنگ ، تبدیل جنگ به جنگ داخلی برضد رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی و برای رهایی ، دموکراسی و سوسیالیسم است ، تبدیل جنگ به جنگ داخلی ، راه انقلابی خاتمه دادن به جنگ در مقابل راه ضد انقلابی بورژوازی است . برزمنه " جنگ ارتجاعی ، بخشهای مختلف بورژوازی تودها را به گوشت دم توپ جنگ بورژوازی یا بورژوازی در جهت اعمال قدرت سیاسی تبدیل میکند . پرولتاریا متحد پیش باید

جنگ را به جنگ داخلی برضد بورژوازی تبدیل کند .

جنگ مصائب دردناکی را بر جامعه مستولی کرده و آشفتنگی همه چیز را در بر گرفته است . بورژوازی حاکم و الحاقیاتش تودها را به صبر و تحمل و همکاری در جهت رفع مصائب و آشفتنگی هایی که سود و سرمایه محکومشان را بخطر انداخته است ، دعوت میکند . بورژوازی سلطنت طلب برزمنه مصائب و آشفتنگیهای موجود ، حکومت ضد انقلابی خود را به رخ میکشد ، حکومتی که ماهیت ارتجاعی آشکار شده اش را می خواهد در پشت وحشیگریهای حکومت اسلامی از انظار بپوشاند . و بورژوازی لیبرال ، این شریک جرم بورژوازی کریکال حاکم ، برزمنه همین مصائب و آشفتنگیها می خواهد خود را تبرئه کند تا ستره بی قدرت سیاسی خود را دوباره به تماشا بگذارد ، و پرولتاریا متحد پیش . اما ، باید با استفاده از این نابسامانی ها ، مصائب و آشفتنگیها جنگ را به جنگ داخلی به جنگ برضد بورژوازی تبدیل کند . قدرت کارگران و زحمتکشان تنها در مبارزه انقلابی میتوانند متبلور شود ، بجز این راه ، سلطه " بورژوازی بر تودها ادامه خواهد یافت .

تبدیل جنگ به جنگ داخلی پاسخ انقلابی تودها به جنگ ارتجاعی بورژوازی است که بر آنها تحمیل شده است . تودها برای تحقق خواستهای انقلابیشان بجز انقلاب چاره ای ندارند و " انقلاب در زمان جنگ یعنی جنگ داخلی " . تاریخ مبارزات طبقاتی در سطح جهان ، این امر را بصورت یک قاعده به اثبات رسانده است که کارگران و زحمتکشان جز از طریق مبارزه مسلحانه بر علیه حکومت راهی برای اعمال حاکمیت خود ندارند . در زمان جنگ ، مبارزه مسلحانه کارگران و زحمتکشان بر علیه حکومت یعنی جنگ داخلی است . " جنگ داخلی آشکارترین شکل مبارزه طبقاتی است ، مرحله ای از مبارزه طبقاتی است که تصادمات و نیروهای اقتصادی و سیاسی با تشدید همدیگر با رشد ، گسترش حدت و به مبارزه مسلحانه یک طبقه بر علیه طبقه دیگر تبدیل میشوند . " ( لنین : انقلاب روسیه و جنگ داخلی ) . جنگ داخلی ادامه مبارزات اقتصادی و سیاسی تودها در شرایطی است که دیگر راه بر تکامل آن مبارزات بسته شده است .

اما بورژوازی که در مبارزات انقلابی تودها مرگ خود را می یابد ، انقلاب را تخطئه میکند ، جنگ داخلی را به شکل ناهنجاری زشت و حیانت آمیز متجلی میسازد و تحت واژه های دگرگونه انقلابیون را به عنوان مشتق اشراک و تروریست و ضد انقلاب که قانون شکنی میکنند و خون مردم را در کوچه و بازار بر زمین می ریزند . معرفی میکند ، این البته " حق " بورژوازی است که برای تداوم بهره کشی اشراک به کیف ترین حیلها و دروغپردازیها متوسل شود ، انگلس زمانی گفت : " آقایان بورژواها شما اولین کسی خواهید بود که قانونیت خود را می شکند " .

بورژوازی همواره در تحمیل جنگ داخلی خود ، جنگ مسلحانه بورژوازی بر علیه زحمتکشان ، پیشقدم بوده است . بورژوازی اولین کسی است که قانون " مقدس " خود را می شکند ، زیاد در ور نی رویم . به کشتارهای " قانونی " حکومت شاهنشاهی اشاره نمی کنیم چیزی که بورژوازی سلطنت طلب می خواهد انرا از ذهن تودها بزداید و خود را " شرافتمند " و " طرفدار " قانون " جا بزند . به بعد از قیام نگاه کنید ، تشکیل دسته های حزب اللهی برای حمله به تظاهرات ، قهقهگی ، آتش زدن کتابفروشی ها ، پرتاب بمب در میتینگها ، تهاجم مسلحانه به کارگران در بند رانزلی ، قتلون کشی به ترکمن صحرا و کردستان .

حملات مکرر قد ارمبند ان به دانشگاهها ، پورش به منازل ، شکنجه ها و اعدام های خارج از وصف و . . . کار نامه جنگ داخلی رژیم بر علیه تودها و نیروهای انقلابی ، آن چنان درخشان است که در تاریخ کونسی کمتر نظیر انرا میتوان مشاهده نمود ، حکومت جنگ داخلی ارتجاعی خود را آغاز کرد و جنگ ارتجاعی را برای تکمیل جنگ داخلی خود ، در امن زد . اکنون تودها باید جنگ را بر علیه حکومت به جنگ داخلی تبدیل کنند .

تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی ، مضمون اصلی شعاری است که باید تودها را به آن واقف کرد . جنگهای ارتجاعی ، معمولاً با ایجاد بحرانهای شدید مواجه اند و یا بحرانهای موجود را تشدید می کنند . تحت این شرایط قابل پیش بینی ، یعنی تشدید دامنه بحران انقلابی ، بی تردید زمینه های تشدید روحیه انقلابی تودها فراهم می شود . از این لحاظ تنها شعار درستی که در راه تحقق انقلاب ، در راه تحقق خواستهای انقلابی تودها قرار دارد ، شعار تبدیل جنگ به جنگ داخلی ، است . اما این بمعنای شروع جنگ داخلی ، شروع انقلاب نمی باشد . بلکه بمعنای تبلیغ هلنی و مستقیم برای انقلاب " است . در همین حال و ضمن اینکه باید مضمون همین شعار را که در مقابل " دفاع طلبی " است ، به میان تودها برد و تاکتیک ها و سازماندهی خود را در جهت تحقق آن قرار داد . لیکن چگونگی و شکل ارائه آن به مجموعه ای از عوامل بستگی دارد که در محور آنها وضعیت ذهنی تودها قرار دارد . لنین در زمانی که تودهای روسیه تسلیم دفاع طلبی انقلابی " گشته بودند و نسبت به حکومت پسر از انقلاب فوریه هنوز توهم داشتند ، و در عین حال این حکومت همچنان جنگ امپریالیستی را ادامه میداد میگوید : " شعار " مرده باد جنگ " البته صحیح است ولی این شعار خود ویژه گم و وظائف زمان و لزوم طور دیگر برخورد نمودن با توده وسیع را در نظر نمیگیرد . این شعار بمعنای من شبیه به شعار " مرده باد تزار " است که تبلیغ ناشی " روزگار گذشته " صاف و ساده با آن به ده میرفت و کتک کافی نوش جان می نمود ( وظایف پرولتاریا در انقلاب ما ) . چنین وضعیتی در اوائل جنگ که

از برکات جنگ

ساخته و خود را در یکی از بی دردترین و با ثبات ترین دوران تاریخ خویش بیاید. در همین رابطه، سه قدرت منطقه یعنی سرمایه داری ترکیه، پاکستان و سوریه و بویژه ترکیه و سوریه آنچنان از برکات و خوان نعمت این جنگ بهره گرفتند که شاید بدون تداوم آن گرداندن چرخ اقتصادشان در اوضاع بحرانی جهان کنونی چندان بی دردسر میسر نمی بود.

دولت ملیتارستی ترکیه و بورژوازی فنو در نفوذ آن در بهره گیری از برکات جنگ ارتجاعی هنر بازاری بخرج دادند. اعمال سیاست خنثی و شیرینی در رابطه با دولت درگیر در جنگ. از یکسو چشمک راه ترانزیت واردات به ایران و از سوی دیگر نگاه غضب آلود پایگاه ارتشیان فراری ایران در نزد یکی مرز. از یکسو پهن کردن سیاط بازار مبادلات ۲ میلیارد دلاری و قالب کردن انواع بنجل های مونتاژ امپریالیستی بمردم ایران از طریق تجار خداجوی وابسته به رژیم خمینی و از سوی دیگر "فضولی موقوف" بموقع به رژیم اسلامی ایران در زمینه دخالت های صدور "انقلاب" به ترکیه اتاتورک و نیز هشدار در مورد بمخاطره افکندن خط لوله صادراتی عراق در خاک آن کشور، در خلال این جنگ اسلامی، بازارهای مصرفی عراق نیز جولانگاه انواع محصولات صنایع مونتاژ ترکیه بوده است.

سرمایه داری دولتی سوریه، این عزیز کرده ثنوری سرافراز و ابرومند (!) "راه رشد غیر سرمایه داری" و این پناه توده های بی پناه حفاذ یده نیز در تمامی سالهایی که جنگ ادامه داشته، همچنان در راه "ستکبیر سوسیالیستی و انقلابی" خود یعنی تقویت سرمایه داری دولتی و غیر دولتی با اتکا به باجگیری و ایفای نقش واسطگی مابین کشورهای منطقه گامهای بلند برداشت. بند بازاری میان قدرتهای عرب حامی عراق و ایران و ایفای نقش دلال سیاسی در این میان مبین تمامی هنر "دوگانه اتیاء، انقلاب" سه به سه، طلای جنگ بوده و البته بر هیچکس پوشیده نیست که تاچه حد پرداخت باج به این میداننداری از سوی طرفین جنگ و حامیانشان توانسته خون را در رگهای اقتصاد کشور مزبور براندازد. هر بار که جنگ ارتجاعی به مراحل حساس خود رسیده، این "دومکرات های انقلابی" سوری بوده اند که یک پا در ریاض و شیخ نشین های خلیج فارس و یک پا در تهران داشته اند تا پشماسها را رسانده، تهدید را منتقل کرده. مصالحه های موقتی را پی ریزی کنند تا از این میان به "پروسانت های انقلابی" خود دست یابند. از یکسو سیراب شدن از شک دلراه های نفتی شیوخ عرب و از سوی دیگر غوطه خوردن در اینبار نفتی - اسلامی حکمت الله، سالیانه سالانه هزاران نفر از صف شیفتگان بقاع شبرکه سوریه توسط دولت اسلامی خمینی به این کشور سرازیر شده و ضمناً، مقادیر معتناهی از کالاهای شبرکه که دست دوم

امپریالیستی را از آنجا به مبین اسلامی ما جهت صراف شخصی، وارد می کنند، صبح الوصف این هنوز صنایع اعلی باج سبیل پرداختی را تشکیل نمی دهد. باج سبیل اصلی را در حاتم بخشی های اسلامی در زمینه وامهای ارزی و نیز نفت مجانی یا ارزان باید جست. در شرایطی که همین دولتی حاضر نیست رسماً و علناً بپه ننگ حمایت از رژیم اسلامی خمینی را بر خود بمالد طبیعی است که نرخ باج یک چنین نقتی دلالی نیز بالا باشد. اطلاعات افشاگرانه زیر بخوسی می تواند نشان دهنده این نرخ بالا باشد: طبق ماده واحده مصوب ۱۳۶۲/۳/۶ مجلس شورای اسلامی مقرر شد که در مورد سوریه حاتم بخشی های اسلامی زیر از کیمه زحمتکشان عرقه در نکت جنگو رژیم ارتجاعی انجام گیرد: (۱) اعطای یک میلیون تن نفت مجانی (۲) فروتن نفت تا پنج میلیون تن با تخفیف ۲/۵ دلار برای هر بشکه (۳) در مورد بازپرداخت ۹۹۳ میلیون دلار بدهی دولت سوریه به ایران: الف) ۹۹۳ میلیون دلار از خرداد ۱۳۶۴ به اقساط مساوی ماهانه ۲۰ میلیون دلار. ب) بازپرداخت ۵۰۰ میلیون دلار دیگر از تیرماه ۱۳۶۸ در دوازده قسط مساوی سه ماهه بمدت ۳ سال انجام گیرد. آری، امید مستضعفان جهان فرمودند جنگ برکت داشته است و برآستی اگر جنگ چنین برکت های داخلی و خارجی نماید است چگونه میسر بود آتش یک چنین جنگی تاکنون به مدت ۴ سال باد زده شده و زنده نگه داشته شود.

امنیت سرمایه ...

اکید "پرهیز شود" و در بند و این بخشنامه وزارت بازرگانی را ملزم به اجرای رهنمود های خمینی نموده و میگوید: "به شرکت کسبه متعهد و مؤمن در امر واردات کالاهای غیر استراتژیک اهمیت ویژه داده شود" (تصامی نقل قولها - کیهان دوشنبه ۵ شهریورماه ۱۳۶۳). در این میان شورای نگهبان که نمیتواند مسرت خود را از فتوای صریح امامش پنهان دارد بلافاصله صاحبمهراد پرتولوزیونی ترتیب میدهد و امامی کاشانی سخنگوی آن ضمن محکوم کردن آن دسته از عناصر مشکوک که "فشارها و جوهائی علیه شورای نگهبان می ساختند" و "شورای نگهبان را بطرفداری از سرمایه داران متهم می ساختند" مقاومت شورای نگهبان را در مقابله با دولتی شدن تجارت خارجی، امری اصولی و اسلامی و در خدمت "اسلام عزیز" میدانند و با استناد به سخنان خمینی می گوید: "دولت در این مطلب که چه کالاهائی باجه قیمتی و از چه کشوری خریداری شود تنها حق هدایت و نظارت دارد" (کیهان ۷/۶/۶۳) بهر رو جناحهای مختلف بورژوازی درون

حاکمیت از بد و کسب قدرت و بویژه پس از حذف لیبرالها تدهای شدیدی بر سر شیره حل بحران مردم فزاینده و ایجاد نبت هرچه بیشتر برای سرمایه داشته اند. هر یک از دو جناح نیز تلاش کرده است تا از موضع ضایع طبقاتی خود از طریق کسب اهرمهای بیشتری در حکومت اعمال سلطه نماید. اما تاکنون نیز باتوجه بتوازن قوای طرفین هیچیک از دو جناح بورژوازی تجاری و صنعتی قادر نگشته اند تا بطور کامل بر دیگری اعمال توریته نمایند. بعنوان مثال علیرغم پیلههائی که کابینه برای مهار بورژوازی تجاری پدید آورده، بورژوازی تجاری بیشترین سود هاراتاکنون نصیب خود کرده است و اکنون نیز این فتوا بمفهوم غلبه کامل سرمایه تجاری بر صنعتی نخواهد بود. این تضادی است که ساخت موجود با رویای سیاسی دارد و اساساً این حاکمیت جمهوری اسلامی است که ماهیتاً بحران زا است نه فتوای خمینی و نه هیچ راحل دیگری قادر به تخفیف بحران نخواهد بود تنها سرنگونی رژیم و برقراری حاکمیت کارگران و دهقانان است که میتواند راحل انقلابی بحران عمیق و همه جانبه موجود را ارائه دهد و این را تودماها در عرصه مبارزه طبقاتی بمنصه ظهور خواهند رساند.

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۲۰۰۰۰ ریال	ن ۳۲
۲۵۰۰۰	۱۰۰
۳۰۰۰۰	رفیق اصغر
۱۰۰۰۰۰	فا - ۷۶
۵۰۰	م
۱۰۰۰۰۰	بدون کد
۳۴۰۰۰۰	اعظم ۱۲۳
۵۰۰۰۰	فا - ۷۶
۵۰۰۰۰	ن ۳۲
۱۰۰۰۰	سعید سلطانیپور
۱۰۰۰۰	حمید اشرف
۵۰۰۰۰	اعظم ۱۲۳
۵۰۰۰۰	ن ۳۲
۲۰۰۰۰۰	رفیق اصغر
۵۰۰۰۰۰	۵۵۵ م
۱۰۰۰۰۰	م - ۳۳
۱۰۰۰۰۰	م - ۳۰۰
۱۵۰۰۰۰	بدون کد
۵۰۰۰۰	ر - ۱۰
۱۰۰۰۰۰	ن ۳۲
۱۲۰۰۰۰	بدون کد
۶۰۰۰۰	رفیق ۲۱

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر





# از برکات جنگ!

خمینی این "امید مستضعفان جهان" زمانی اعلام کرده بود که این جنگ برای مردم برکت فراوان به همراه داشته است. بگذرید گوشه‌هایی از طرفین سود و زیان این برکت اسلامی را بشناسیم تا آشکار شود که منظور خمینی از مردم چیست و امام، امید چه کسان و چه قدرتهائی است.

در اثر برکات (۱) این جنگ چند صد هزار از فرزندان اقتدار زحمتکش جامعه که با فقر و زجر به شمر رسیده بودند به جبر و یا در اثر توهنات مال‌پولپوئی مذهبی در گورآبادهای تمامی شهرها و روستاهای کشور در دل خاک مسکن گزیدند و بدین طریق بخشی از برنامه تأمین مسکن حکومت الهی بضمیر نشست.

بخشی از اینان نیز بعنوان "شهیدان زنده" به صندلی‌های جرخدار و چوبهای زیر بغل درخته شدند تا از این راه زندگانه مراحل انقلابی جامعه پس از خمینی باشند.

در سایه برکات جنگ، انگ‌ترین اقتدار

بورژوازی یعنی بورژوازی تجاری عقب مانده توانست با جنگ انداختن به نخایر ارزی و شبکه توزیع کالاها ی وارداتی پس مانده ترین و ارتجاعی ترین مراحل سرمایه‌داری را بر جامعه تحمیل کرده و از این راه چون زلوی سیری ناپذیری خون زحمتکشان را به زرد آب فقر بدل سازد. هشت کارگران و زحمتکشان گروئسه، و بیست و پنج تاجر و ملایان چنگاویز به تسبیح و سجاده، نقد و مهیا.

در پناه اقتصاد جنگ ارتجاعی و سرنیزه‌ها آنچنان بر فراز سر مردم آگاه و فرزندان انقلابی آنان درخشیدن گرفتند و آنچنان غنیمی به دل امپریالیسم افکند که شاید هیچگاه به‌مخیره حزب محافظه کار انگلیس، و احزاب لیبرال و افراطی آمریکا و اروپا خطور نمی‌کرد که تا این حد بتوانند از یک حکومت سبز الهی توقع برکت سرکوب نیروهای انقلابی را داشته باشند.

در اثر برکات این جنگ عقب مانده ترین

و مفلوک‌ترین عناصر و پیمان‌های اقتدار و امانده، جامعه و سبز خیل لومین‌های شهری و روستائی امکان یافتند که از یک سو جیره‌خوار سفره تاراج بورژوازی تجاری باشند و از سوی دیگر سوار بر مرکب‌های چهارچرخ صادره از امپریالیسم زاپن‌نقد اریسته و در کوچ‌مخیا بان اداره و خانه و دانشگاه و مدرسه، تجاوز به جان و مالی مردم را به اجراء آورند.

دستان خون‌آلود او با شر در کشتار و تجاوز به زحمتکشان باز تا اینکه حکومت الله و اقتصاد تاراجگر اسلام پابرجا بماند.

در حوزه بین‌المللی نیز جنگ برکات فراوان به قدرتهای امپریالیست و نیز قدرتهای مرتجع منطقه ایثار نمود. چهار سال جنگ خانمان برانداز قسمت اعظم دلارهای نفتی ایران و دیگر کشورهای منطقه را به انواع اسلحه‌های دست اول و دوم بدل کرد و درآمدهای نفتی یعنی منبع مسلم و بالقوه منافع توده‌ها را به انبار سلاحهای مختلف تبدیل نمود. در پناه این جنگ اسرائیل در چارچوب برنامه و توافق‌های امپریالیستی امکان یافت تا یکی از پرتوهای مقاومت و مبارزه منطقه یعنی جنبش فلسطین را فلج و دنیاله در صفحه ۱۳

## یادداشتهای سیاسی

### وحشت از خشم نوده‌ها

### خمینی را به وحشت افکنده است

پس از یک سلسله شایعات مهتبی بر مرکب خمینی که توده‌های بحران آمده از مصائب رژیم ضحروس جمهوری اسلامی را به شدت شادمان کرده بود. بار دیگر این ضحاک جنایتکار را بر صحنه تلویزیون ظاهر گشت و با جیره‌خواران و مزدوران شر به صحبت نشست اما ظهور خمینی در صحنه تلویزیون این بار همراه با وحشتی عظیم از گسترش موج حرکات و اعتراضات توده‌ای بود و این وحشت را نه تنها نتوانست پنهان سازد بلکه با صراحتی وصف ناپذیر عیان ساخت.

او در جمع متشکل از مشتکی زدن‌ترین عناصر وابسته به حاکمیت، تصویری از آینده قریب الوقوع آنان را ترسیم کرد: "امروز اگر چنانچه خدای نخواست به‌کخللی وارد بشود در این جمهورت، نمی‌دانید که با ما چه خواهند کرد" و بلافاصله تأکید کرد که "انشاءالله که میدانید". خمینی پس از اشاره به سرنویشت قریب الوقوع دنیاله در صفحه ۱۴

### امنیت سرمایه معضل رژیم

به دنبال تشریح بحران اقتصاد و افزایش ناراضی عمومی و بروز روزافزون اعتراضات توده‌ای و همچنین رشد فزاینده تضاد های درونی حاکمیت جمهوری اسلامی، خمینی سرانجام فتوای مورد علاقه بازاریان را صادر کرد و خطاب به کابینه جدید که به دیدار او رفته بودند گفت: "... شما که میخواهید برای همه خدمت بکنید، برای ۰۰ میلیون جمعیت دولت محدود نمی‌تواند کار کند. باید ۰۰ میلیون جمعیت را در صحنه نگه‌دارد و نگه‌داری به اینست که شما بازار را میخواهید نگه‌دارید. بازار را شریک کنید در کارها، بازار را کنار نگذارید یعنی کارهایی که از بازار می‌آید جلویش را نگیرید. یعنی مشروع هم نیست، آزادی مردم نباید سلب بشود. دولت باید نظارت بکند مثلاً در کالاهائی که میخواهند از خارج وارد کنند مردم را آزاد بگذارید... و در ادامه سخنانش می‌گوید: "در هر صورت ما باید به دنبال این معنایا شیم که مردم را نگه‌داریم و همانظوری که آقایان می‌گویند

بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کار کرد و... پشتیبانی این است که همکاری کنند. همکاری این است که در تجارت همکاری کنند..."

و در خانه بارد دیگر بروال همه شیادان و فریبکاران، تمامی این رهنمودهای "امام گوناش" را برای خدمت به محرومین و مستضعفین جا زده و می‌گوید: "عده این است که برای مستضعفین که شما خدمت کردند خدمت بکنید و خدمت هم به این است که اینها را بازار برباراد رکار وارد کنید، شریک کنید..."

بدنیال سخنان خمینی، نخست وزیر بلافاصله بخشنامه‌ای در و ماده صادر کرد و به وزارتخانه‌ها ابلاغ می‌کند که درین ۲۰ جهت سرمایه‌گذارهای بخش خصوصی در چهارچوب ضوابط اسلامی تسریع گردد و از تغییرات بی‌دری و کوتاه مدت در ضوابط حاکم که منجر به کاهش اطمینان در سرمایه‌گذارها می‌شود دنیاله در صفحه ۱۳

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق